

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد مکرانیک مردم ایران

شماره ۱۱۱ دوره سوم دوشنبه ۲۱ دی ماه ۱۳۶۰ برابر با ۱۵ ربيع الاول ۱۴۰۲ و ۱۱ ژانویه ۱۹۸۲ ۳۰۴ ریال

بمناسبت زاد روز پیامبر اسلام - هفته وحدت

## وحدت

### برای تحقق آرمان‌های مستضعفین

در این هفته مسلمانان ایران و جهان زادروز پیامبر اسلام را جشن میگیرند. ما پیام فقیه عالم‌القدر آیت‌الله منتظری مسلمانان ایران زادروز پیامبر اسلام را هفته وحدت اعلام کرده‌اند.

درواقع نیز جهان اسلام بیش از هر زمان دیگری نیاز به وحدت دارد. و درست به همین دلیل است که باید ماهیت این وحدت، اجزاء ایسن وحدت هدف این وحدت را به درستی شناخت.

زمانی که هفته وحدت به مناسبت زادروز پیامبر اسلام اعلام شد، بلافاصله از عربستان سعودی صدائی برخاست که جشن گرفتن زادروز پیامبر اسلام "شرک" است! و به نظر مادرست همین صدائی ناهنجار ماهیت واقعی این وحدت، اجزاء واقعی این وحدت و هدف واقعی این وحدت را شناساند.

بر عربستان سعودی یک گروه غاصب غارتگر حکومت میکنند که دست نشانده امپریالیسم امریکاست و برای حفظ سلطه غارتگرانه خود و اربابش علیه انقلاب اسلامی ایران و جمهوری اسلامی ایران توطئه میکنند، ولی خود را نه فقط "مسلمان"، بلکه "مرکز جهان اسلام" میدانند!

پس وحدت مسلمانان، وحدت مستضعفین مسلمانان است علیه امپریالیسم سرکردگی امریکا و دست نشاندهانش، وحدت مسلمانان، تحقق آرمان‌های مستضعفین مسلمانان است که در اساس خود چیزی نیست جز رهاگسی از سلطه امپریالیسم، شرکت مردم در سرنوشت خویش و برخورداری زحمتکشان از نتیجه دسترنج خویش.

چنین وحدتی واقعی است، لذا عملی است و میتوان و باید برای تحقق آن مبارزه کرد.

چنین نیروی واحدی میتواند و باید با نیروهای واحد دیگری، با ایده‌تو- لوزی‌ها و سیاست‌ها و مذاهبات کوناگون، که آنها هم برضد امپریالیسم سر- کردگی امریکا و دست نشاندهانش، برضد غارتگران و استثمارگران و برای تحقق آرمان‌های مستضعفین می‌روند، متحد شود.

چنین اتحادی هم واقعی است، لذا عملی است و میتوان و باید برای تحقق آن مبارزه کرد.

هم‌آن وحدت، هم‌این اتحاد رمز پیروزی مستضعفین صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی آنهاست. بویژه مردم میهن‌ما که در جنگ مرگ و زندگی با امپریالیسم به سرکردگی امریکا و پایگاه‌های داخلی اش-وکلان- سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و همه عوامل گوناگون ضد انقلاب اند، به چنین وحدتی، به چنین اتحادی نیاز حیاتی دارند، زیرا فقط در این صورت است که پیروزی نهائی انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران تضمین خواهد شد.

زاد روز پیامبر اسلام را به همه مسلمانان، بویژه مسلمانان میهن‌مان صمیمانه تبریک میگوئیم و وحدت و اتحاد میان مردم ایران را در مبارزه برای دفاع از انقلاب اسلامی ایران که به گفته امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، انقلاب مستضعفین است، در برابر امپریالیسم سر- کردگی امریکا آرزو نمودیم.

# تروریست‌های اقتصادی کارگزاران امپریالیسم امریکا

کویدن مواضع تروریست‌های اقتصادی شرط لازم برای نیل به استقلال و شکوفایی اقتصادی است

مسائل اقتصادی، نظیر گرانی و احتکار، فقر و بیکاری، مسئله مسکن و اجاره‌بها، مشکل اراضی شهر و روستا بقیه در صفحه ۳

## راه اندازی "مجتمع مس سرچشمه" ضربه‌ای دیگر بر امپریالیسم امریکا

انقلاب، که گویا کلیه فعالیت‌های صنعتی متوقف شده، و با وجود تمام نارسایی‌ها در کاربری مستولین، مردم کشور ما مسئولین دلسوز به کار و کوشش مشغولند و به خصوص برای اتمام واحدهای بزرگ کارکنان، کارخانه ذوب مجتمع نیز تا آخر خرداد ماه ۶۱ شروع به کار خواهد کرد.

چندی پیش اخبار امیدبخشی از "مجتمع مس سرچشمه" منتشر شد. وزیر معادن و فلزات کارخانه تغلیظ مجتمع را افتتاح کرد و اعلام داشت که طبق وعده کارکنان، کارخانه ذوب مجتمع نیز تا آخر خرداد ماه ۶۱ شروع به کار خواهد کرد.

انتشار این قبیل اخبار نشان می‌دهد که، علی‌رغم تبلیغات ضد - انقلاب، که گویا کلیه فعالیت‌های صنعتی متوقف شده، و با وجود تمام نارسایی‌ها در کاربری مستولین، مردم کشور ما مسئولین دلسوز به کار و کوشش مشغولند و به خصوص برای اتمام واحدهای بزرگ کارکنان، کارخانه ذوب مجتمع نیز تا آخر خرداد ماه ۶۱ شروع به کار خواهد کرد.

انتشار این قبیل اخبار نشان می‌دهد که، علی‌رغم تبلیغات ضد - انقلاب، که گویا کلیه فعالیت‌های صنعتی متوقف شده، و با وجود تمام نارسایی‌ها در کاربری مستولین، مردم کشور ما مسئولین دلسوز به کار و کوشش مشغولند و به خصوص برای اتمام واحدهای بزرگ کارکنان، کارخانه ذوب مجتمع نیز تا آخر خرداد ماه ۶۱ شروع به کار خواهد کرد.

انتشار این قبیل اخبار نشان می‌دهد که، علی‌رغم تبلیغات ضد - انقلاب، که گویا کلیه فعالیت‌های صنعتی متوقف شده، و با وجود تمام نارسایی‌ها در کاربری مستولین، مردم کشور ما مسئولین دلسوز به کار و کوشش مشغولند و به خصوص برای اتمام واحدهای بزرگ کارکنان، کارخانه ذوب مجتمع نیز تا آخر خرداد ماه ۶۱ شروع به کار خواهد کرد.

## شهید مطهری

### و آزادی‌های سیاسی

#### "امسال، سال قانون است"

امام خمینی

اکنون، سرزهای راستین سرور خط امام خمینی و سرور مسئولان قضائی کشور برآندند، تا این فرمان رهبر انقلاب را اجرا کنند. کوس همه‌جانبه‌ای برای استقرار قانون در جامعه آغاز شده است، که بخشی از آن مربوط به اجرای قوانین جمهوری اسلامی ایران و نظریات رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مسئولان درجه اول کشور درباره آزادی‌های سیاسی است.

ما برای آنکه، به سهم خود، در این زمینه هم به استقرار قانون‌یاری رسانده باشیم، نظریات و قوانین موجود را درباره آزادی‌های سیاسی به ترتیب منتشر خواهیم کرد. در این شماره به درج نظریات استاد شهید مرتضی مطهری اولین رئیس شورای انقلاب، اقدام می‌کنم. همه این بقیه در صفحه ۱۴

## انقلابی واقعی - ملاک تشخیص مشخص دارد

حاج الاسلام‌ها سنی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران، در خطبه اول نماز جمعه ۲۹ آبان ماه ۶۰ موضوع فوق‌العاده مهمی را در زمینه لزوم اجرای قانون، درباره دوستان نادان و دشمنان دوست‌نما مطرح کرد.

امام جمعه موقت تهران توضیح داد که هر کس با عمل خود بی‌اعتمادی به دوستان نادان و دشمنان دوست‌نما مطرح کرد. امام جمعه موقت تهران توضیح داد که هر کس با عمل خود بی‌اعتمادی به دوستان نادان و دشمنان دوست‌نما مطرح کرد.

امام جمعه موقت تهران توضیح داد که هر کس با عمل خود بی‌اعتمادی به دوستان نادان و دشمنان دوست‌نما مطرح کرد. امام جمعه موقت تهران توضیح داد که هر کس با عمل خود بی‌اعتمادی به دوستان نادان و دشمنان دوست‌نما مطرح کرد.

امام جمعه موقت تهران توضیح داد که هر کس با عمل خود بی‌اعتمادی به دوستان نادان و دشمنان دوست‌نما مطرح کرد. امام جمعه موقت تهران توضیح داد که هر کس با عمل خود بی‌اعتمادی به دوستان نادان و دشمنان دوست‌نما مطرح کرد.

# در باره لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی

متن لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی، که کلیات آن در تاریخ هفتم آذرماه ۱۳۶۰ تصویب مجلس شورای اسلامی ایران گذشت، همراه با ضمیمه آن انتشار یافته است. متن اصلی لایحه شامل ۴۰ ماده و تعداد زیادی تبصره است، که اگر در کمیسیون بازرگانی خارجی مجلس و در شور دوم آن، از نقائص، زوائد و ابهامات پالوده گردد شالوده اطمینان بخشی برای دولتی کردن بازرگانی خارجی ریخته خواهد شد.

در آستانه برگزاری سومین سالگرد انقلاب بزرگ بهمن، هنوز بازرگانی خارجی، منبع سودورزی و مال اندوزی سرمایه‌داران بزرگ وابسته است، که با ایجاد کمبود و تشدید گرانی و تورم، خون مردم محروم را در شیشه کرده و به بهای حرمان میلیونها زحمتکش، سودهای بادآورد به حیب ریخته‌اند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بازرگانی خارجی را جز بخش دولتی اقتصاد شناخته است. زمانی که قرار شد، این اصل از قانون اساسی به عمل درآید، لایحه‌های دولت موقت "لایحه قانونی مراکز تهیه و توزیع کالا" را، بعنوان گام نخست در راه دولتی کردن بازرگانی خارجی، بتصویب شورای انقلاب رساندند، که در همان زمان از سوی بسیاری از احزاب، سازمان‌ها و مطبوعات مترقی و از جمله روزنامه "جمهوری اسلامی" مورد انتقاد قرار گرفت. زیرا این لایحه نه در جهت دولتی کردن بازرگانی خارجی، بلکه پوششی برای ادامه غارتگری بازرگانان بزرگ بود.

گذشت زمان و تجربه و عمل کرد یک سال و هشت ماهه این لایحه، بروشنی تحقیرات مخالفان آن گواهی میدهد، چرا "مراکز تهیه و توزیع کالا" نتوانستند هیچ‌کامی بسوی کاهش قیمت‌ها و قطع دست سرمایه‌داران وابسته در رشته بازرگانی خارجی بردارند. حتی چند قلم کالائی که واردات آنها به "مراکز تهیه و توزیع کالا" سپرده شد، نظیر آهن و کائوچو و چوب، هیچ سامانی نگرفت و آهن وارداتی کیلویی ۴۵ ریال، تا پیش از کیلویی ۲۵ تومان در بازار به مصرف- کننده عرضه شد و هم‌اکنون عرضه میشود "مراکز تهیه و توزیع کالا" در حقیقت "شرکت سهامی" چند سرمایه‌دار بزرگ وابسته شد، که کالا بخارج سفارش میدادند و نبض بازار داخلی را کامکان در اختیار داشتند.

بدنبال بی‌ثمری این مراکز بود که لایحه جدید دولتی کردن بازرگانی خارجی تدوین شد و ماده ۳۵ آن انحلال این مراکز را پس از واگذاری کلیه امور آن به مراکز دولتی، که بر اساس لایحه جدید تشکیل خواهند شد پیش بینی کرده است. بموجب لایحه جدید قرار است بقیه در صفحه ۷

بمناسبت بازگشائی مراکز تربیت معلم سراسر کشور تربیت معلم شرط ضرور دگرگونی نظام آموزشی در صفحه ۲

سیاست کشاورزی در راه رشد غیر سرمایه‌داری بخش پنجم

تعاونی‌های روستایی واحدهای دولتی تولید کشاورزی و برنامه ریزی توسعه اقتصادی در صفحه ۱۱

## "کارگران ستون فقرات انقلاب اند"

امام خمینی

قانون کار انقلابی، مردمی، با شرکت کارگران، هر چه زودتر باید تدوین و تصویب شود. کارگران باید جلوگیری شود و امنیت شغلی آنان تضمین گردد.

همه توشه مردمی خویش را به کار گیرد تجاوز آمریکایی-صدامی در غرب و جنوب غربی میهن انقلابی ما ادامه دارد فتنه انگیزی‌های شیوخ و سلاطین دست- آموز آمریکا در منطقه و تدارک دسایس مرکب از ضدانقلابی در ترکیه و پاکستان علیه جمهوری جوان ما از هر زمان شدیدتر بقیه در صفحه ۱۳

## آمریکا ایران را جلوی مگسک گرفته است

برادریومسکودر برنامه خود (۱۴ دی ۶۰) مقاله‌ای از هفته‌نامه عصر جدید چاپ اتحاد شوروی را درباره دسیسه‌های امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پخش کرد، که از نظر اهمیت، متن آن در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

هفته‌نامه عصر جدید می‌نویسد: "در آمریکا دسیسه‌کارها علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد و خط مشی خصمانه توأم با چکاچاک اسلحه دنبال شده است. عملیات تخریبی علیه تهران در چند جهت صورت میگیرد: محاصره اقتصادی، که با کوشش های مقامات رسمی واشنگتن برقرار شده، یکی از جهات اصلی است. در نتیجه مبادله کالای میان آمریکا و ایران تقریباً ۲۰ بار کمتر شده و به سطحی کاملاً ناچیز تنزل کرده است. آمریکا بیش از ۱۰ میلیارد دلاری را که در رژیم شاه به‌بابت جنگ‌افزارهای آمریکایی - که به ایران تحویل نشده - پرداخت گردیده، به ایران پس نداده و این مبلغ را جبران نکرده است. جنگ روانی دامنه‌دار واشنگتن علیه تهران جهت دیگر اعمال ضد- ایرانی است. بدین مناسبت خا دارد بقیه در صفحه ۷

بمناسبت بازگشایی مراکز تربیت معلم سراسر کشور

تربیت معلم

شرط ضرور دگرگونی نظام آموزشی

تربیت و بازآموزی معلم از مهمترین ارکان یک سیستم آموزشی نوین و انقلابی است بدون داشتن معلم - آنهم معلم کاردان و محرب، متعهد و مسئول، پیشبردار آموزش در مدارس امکان پذیر نیست.

در رژیم پهلوی بسیاری از فرزندان رحمتگسان، به دلیل نبودن کلاس و معلم از تحصیل محروم می شدند. کمبود معلم یکی از معضلات همیشگی مدارس شهرهای دورافتاده و روستاهای کشورمان بود. در جامعه انقلابی گذشته و برقراری یک گونی نظام آموزشی گذشته و برقراری یک سیستم نوری آموزشی در دستور روز قرار دارد، ضرور است که آموزش و پرورش علاوه بر رفع هر چه سریعتر کمبود معلم مورد نیاز مدارس سراسر کشور، طی یک برنامه ریزی دقیق حساب شده، برای آن تعداد کودکان و احباب التعلیم ۱۱ - ۶ ساله، که امکان تحصیل در مدارس را ندارند، معلم محرب و کاردان تربیت کند.

برای آنکه به تعداد دقیق معلمان مورد نیاز آموزش و پرورش در سطوح مختلف آموزشی واقف شدیم، گامیست نگاهی به آمارهای رسمی کشور ببندازیم: در سال تحصیلی ۵۹-۶۰، حدود ۴ میلیون و ۸۱۰ هزار نفر در دبستان - های کشورمان به تحصیل اشتغال داشتند. در صورتی که فرض شود هر سال ۳۰ هزار نفر از کودکان ۱۱-۶ ساله و احباب التعلیم که در خارج از مدارس به سر می برند، جذب مدارس شوند و در طول سال نیز مویحبات اشتغال به تحصیل کلیه ۱۱-۶ ساله ها فراهم شود، معلمان اضافی مورد نیاز آموزش ابتدائی در سال تحصیلی ۶۰-۶۱ به ۳۱۸۷۰ نفر می رسد.

در مدارس سراسر انهمائی کل کشور، دبیران مورد نیاز ازین مدارس حدود ۱۷۹۳۰ نفر است، همچنین طبق بر - رسی آماری دبیرستان های عمومی کشور جمع دبیران مورد نیاز کشور حدود ۱۰۵۰۰ نفر است.

نظام آموزشی جدید باید عهده - دار رفع سریع این کمبود معلم در سطوح مختلف آموزشی کشور باشد. اما کار تربیت معلم در همین جا خاتمه نمی یابد. معلمان کنونی، که امروز در مدارس مشغول بکارند، در سیستم آموزشی رژیم گذشته کار کرده اند و تجربیات آنان در امر آموزش نیز در همان محدوده تنگ و منسوخ شده نظام آموزشی گذشته است. لذا بازآموزی این عده از معلمان امری ضرور و مبرم است، که باید به عنوان بخش مهمی از برنامه تربیت معلم، بدان بهای لازم داده شود.

پس از پیروزی انقلاب، مسئولین آموزش و پرورش، همواره به مسئله تربیت معلم و بازآموزی معلمان توجه داشته اند. چنانکه شهید رجائی و شهید باهنر، وزیران پیشین آموزش و پرورش، طی مصاحبه های متعدد خود در مطبوعات و رسانه های گروهی، بر ضرورت تربیت معلم تاکید میکردند و شهید باهنر در برنامه کار خود، استخدام ۴۰ هزار معلم را در آینده اعلام کرده بود. اما متأسفانه تاکنون برنامه یا طرحی عملی درباره "تربیت معلم و گسترش مراکز تربیت معلم" از سوی وزارت آموزش و پرورش ارائه نشده است. هم - چنین ضرورت داشت که جهت تربیت معلم در کوتاه مدت، طرحی ضربتی ارائه میشد، تا بایه اجرا گذاشتن آن و اعزام داوطلبین به نقاط دور افتاده، مسئله کمبود معلم در این مناطق هر چه سریعتر رفع میگشت.

علاوه بر تربیت معلم جدید و بازآموزی معلمان گذشته، آموزش و پرورش موظف است که محیط های آموزشی را از

عناصر ضد انقلابی و وابستگان رژیم پهلوی پاکسازی نماید. تا کمال تا سرف آموزش و پرورش به این مسئله حیاتی توجه کافی نداشته است و به ویژه با محدود شدن مرز میان معلمان انقلابی و متعهد و عناصر ضد انقلاب و اخلا لکر، تاکنون تعداد زیادی از معلمان متعهد به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در چند ماه اخیر، به ناحق از کار آموزشی کنار گذاشته شده اند. ونگرانی آورترا آنکه این تعداد از معلمان، جز معلمان دلسوز و با تجربه ای بوده اند که به کار خود عشق می ورزیدند. فقدان این معلمان متعهد و کار آزموده، در کار آموزشی بسیاری از مدارس ضایعاتی ایجاد کرده و در مجموع مسئله کمبود معلم را شدت بخشیده است، در حالیکه هستند افراد ضد انقلابی، که فرصت - طلبانه به ظاهری "اسلامی" و "مکتبی" در آمده اند و در مدارس، به خرابکاری و ایجاد ناراضی و پخش نظریات ضد - انقلابی در میان دانش آموزان و معلمان مشغولند.

بازگشایی مراکز تربیت معلم گامی است مثبت

خوشبختانه، پس از تعطیلی نسبتاً طولانی مراکز تربیت معلم کشور و متوقف شدن کار تربیت معلم، در تاریخ هفتم دیماه جاری، مراکز تربیت معلم کار خود را با ۱۷ هزار دانشجو آغاز کردند. اقدام بسیار مثبت و ضروری بازگشایی مراکز تربیت معلم سراسر کشور مورد استقبال فراوان مسئولین علاقمند و دل سوز آموزش و پرورش حووانان متعهد و دانش آموزان محروم شهرها و روستاهای کشورمان قرار گرفت. اما متأسفانه نحوه گزینش دانشجو در این مراکز، بر اساس معیارهای واقعی، اصولی و درست انجام نپذیرفته است و در مجموع دارای نقائص و ایرادهای جدی است.

کنکور مراکز تربیت معلم، که در تاریخ ۲۷ مهرماه امسال برگزار شد، شامل آزمون بود، که در مرحله دوم پذیرش دانشجو، تحقیقات وسیعی در مورد داوطلبان به وسایل گوناگون: مصاحبه، تحقیقات محلی، دیدن سوابق افراد از جنبه های "اخلاقی"، "سیاسی" "عقیدتی" انجام گرفت. معیار اساسی برای گزینش دانشجو در این آزمون ها،

- بازگشایی مراکز تربیت معلم گامی است مثبت و ضروری و باید محدود گزینش دانشجو در این مراکز دارای نقائص جدی است.
- معیار واقعی، اصولی و درست برای انتخاب معلم و تربیت معلم تعهد بدانشجو است.

مکتبی بودن افراد تعیین شده بود و بر این اساس، پس از دو ماه و نیم تحقیق و بررسی نزدیک به ۱۷ هزار نفر دانشجو انتخاب شدند.

گسترش تربیت معلم

برای آنکه آموزش حبابی و رایگان هشت ساله امکان پذیر شود و بتوان مدارس فنی و حرفه ای را به تعداد مورد نیاز گسترش داد، باید به امر تربیت معلم شایسته به تعداد کافی در تمام سطوح آموزشی اهمیت ویژه ای داد.

به نظر ما، به اشکال زیر پیسن و در مراحل مختلف، کوتاه مدت و میان مدت گسترش تربیت معلم امکان پذیر است.

\* جهت تأمین سریع کمبود معلم به ویژه برای اجرای برنامه سواد آموزی در یک برنامه اضرتی و کوتاه مدت باید به تربیت دبیلیمه های بیکار پرداخت. این عده با گذراندن دوره های فشرده باید به شهرها و روستاها، آنجا که به معلم نیاز مبرم وجود دارد، اعزام شوند.

برای تأمین معلم مورد نیاز باید فوراً و بطور جدی دست به کار شد

شهرهای دورافتاده و روستاها همچنین مدارس راهنمایی و دبیرستان های کشور، ضرور است که آموزش و پرورش، با در نظر گرفتن نارسائی های موجود و نقائص اقدامات انجام شده، همچنین با نظر - خواهی عمومی از صاحب نظران و استفاده از تجربیات کشورهای انقلابی، طرح کلی تربیت معلم کشور را تنظیم کند و هر چه سریعتر به مرحله اجرا در آورد.

رفع پاکسازی های نابجا و ناروا

مسئولین آموزش و پرورش مسئله پاکسازی های نابجای معلمان را باید به طور جدی مورد تجدید نظر قرار دهند. معلمان مومن و متعهد به انقلاب را به مدارس بازگردانند، تا کمبود معلمی که از این طریق ایجاد شده است، هر چه سریعتر رفع شود.

در پاکسازی انقلابی مدارس، ابتدا باید کلیه وابستگان به رژیم فاسد و ضد مردمی پهلوی و عناصر ضد انقلابی از محیط های آموزشی برکنار شوند. ملاک پاکسازی و بازسازی باید بر پایه تعهد نسبت به سرنوشت انقلاب و جمهوری

انتخابات ریاست جمهوری در فنلاند و نامزدهای آن

از هنگامیکه دکتر اورهو ککونن، رئیس جمهور فنلاند در آورده ۶۰ (اویل نوامبر ۸۱) پس از بیست و پنج سال، به دلیل کهولت سن و بیماری از این مقام کناره گرفت. تدارکات انتخاب جانشین او آغاز شد. همه احزابی که در مجلس فنلاند نماینده دارند، نامزد خود را معرفی کرده اند.

نامزد "حزب کمونیست فنلاند" و "اتحادیه دموکراتیک مردم فنلاند" (SKDL) صدر حزب اخیر، کالوی کی ویستو (Kalevi Kivisto) پروفسور چهل ساله علوم سیاسی که نه سال است نماینده پارلمان است (از سال ۱۹۷۲) و در

شش سال اخیر (از سال ۱۹۷۵) در دولت های گوناگون سمت وزیر دروم آموزش و پرورش را بعهده داشته است.

"حزب سوسیالیست فنلاند" دکتر ماونو کوویستو (Mauno Kovioto) را به عنوان نامزد خود معرفی کرده است، که از بهار ۶۰ (مه ۸۱) تاکنون نخست وزیر فنلاند است. وی که پنجاه و هشت سال دارد، نخستین بار در اواخر سال های ۶۰ (۷۰-۱۹۶۸) به عضویت کابینه درآمد و سپس نخست وزیر شد. دکتر کوویستو پس از آن ریاست "بانک فنلاند" را بعهده داشت.

"حزب مرکز"، که اورهو ککونن

نیز عضو آن بود، دکتر یوهانسیس ویرولاینن (Johannes Virolainen) قائم مقام کنونی رئیس جمهور، را به عنوان نامزد خود برگزیده است. وی که ۶۷ سال دارد، شانزده سال صدر این حزب بود (۸۰-۱۹۶۴). وی نخستین بار سی و یکسال پیش (۱۹۵۰) وارد کابینه شد و دو سال هم نخست وزیر بود (۶۶-۱۹۶۴).

"حزب ائتلاف ملی"، که حزبی بورژوازی است و پس از "حزب سوسیالیست فنلاند" دومین فراکسیون بزرگ را در پارلمان دارد، هاری هولگری (Harri Holkeri) را نامزد کرده است. وی هشت سال

نامزد "حزب خلق سوئد"، که نماینده بورژوازی و خرد بورژوازی سوئدی زبان فنلاند است، یان ماگنوس (Jan Magnus) سردبیر روزنامه "Hufvudstadsbladet" چاپ هلسنکی است.

"جامعه مسیحیان فنلاند"، که حزبی محافظه کار است صدر خود راینوست هولم (Raino Westholm) را نامزد کرده است.

در فنلاند رئیس جمهور را محمی مرک از ۳۰۱ تن برمیگزیند. افراد این مجمع در روزهای ۲۸-۲۷ دی ۶۰ (۱۸-۱۷ ژانویه ۸۲) در حوزه های انتخاباتی انتخاب خواهند شد.

تئوریست های ...

بقیه از صفحه ۱

و... چنان حاد است که بحق هم ادهان مردم زحمتکش و محروم که بارعبده این مسائل بردوش آنها است... وهم توجه خاص مسئولان کشور را بخود مشغول داشته است.

عواقب جنایات تروریست های اقتصادی چنان شوم است (و اگر جلوی آن گرفته نشود، در درازمدت چنان فاجعه آمیز خواهد بود) که بحق این سؤال را برای همگان مطرح میکنند که: "چرا در سرکوب قاطع و قانونی تروریست های اقتصادی تاخیر میشود؟"

درباره علل بروز این مسائل و مشکلات و راه حل آنها سخن بسیار گفته شده است. ولی اهمیت موضوع از نظر سرنوشت انقلاب چنان است که هر چه در این زمینه گفته شود، هنوز کافی نیست. گفته ها هم برای این نیست که حرفی گفته شود، بلکه برای آنست و برای آن باید باشد که رهنمودی برای عمل باشد و به تسریع عمل منطقی در جهت حل مسائل و مشکلات اقتصادی کمک کند.

امام خمینی، بویژه پس از استقرار نهادهای دولتی - ریاست جمهوری و دولت - بارها تاکید کرده اند که موقع عمل بسود مستضعفان است و دیگر هیچگونه بهانه های مانعی در این زمینه وجود ندارد. از اینجاست که ماهم باز در این زمینه سخن می گوئیم.

از ارثیه شوم رژیم پهلوی که نگذیریم، بدون تردید ۱۵ ماه جنگ تحمیلی منشاء دشواریهای فراوان در حیات جامعه بوده و سبب تاخیر در حل مشکلات اقتصادی کشور شده است. جنگ بخش قابل توجهی از نیروهای جوان و فعال و مولد را از عرصه تولید بیرون کشیده و به جبهه ها اعزام داشته و در نتیجه کمبود کالای صنعتی و کشاورزی را تشدید کرده است. جنگ بخش عظیمی از درآمد ملی کشور را به جای سرمایه گذاری های صنعتی و کشاورزی و عمرانی، به تائین هزینه های نظامی و جنگی تخصیص داده است. و بالاخره جنگ عامل موثری در نرسیدن مواد خام و اولیه به موسسات تولیدی و تشدید بیکاری شده است. اینها همه واقعیاتی انکارناپذیرند. اما این واقعیت هم انکارناپذیر است که کارگزاران داخلی امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، یعنی کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران، و به تعبیر گویای رئیس مجلس شورای اسلامی، "تروریست های اقتصادی"، در تشدید این پیامدهای زیانبار، بسود خود و بسود امپریالیسم، نقش اساسی ایفا کرده اند. مردم کمبود و نبود و گران و بیکاری را تحمل کرده اند و غارتگران از جیب بی رمق همین مردم محروم، زراندوزی کرده اند، دست به احتکار زده اند، قحطی مصنوعی بوجود آورده اند. اگر باید در جنگ پیروز شد و به استقلال و شکوفائی اقتصادی و تعمیم عدالت اجتماعی دست یافت، باید اهرم های اقتصادی را که همچنان در دست کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران باقی است، از آنان گرفت و قدرت و برتری اقتصادی علیه انقلاب را از آنان سلب نمود.

همانطور که رزمندگان مادر جبهه ها هر تهاجم دشمن را با تهاجم متقابل پاسخ می گویند، در عرصه اقتصادی هم باید هر حمله امپریالیسم را با ضدمحمله پاسخ گفت و هر عمل تخریبی او را با تدابیر جدی و منطقی، بی اثر و کم اثر ساخت.

رئیس جمهور با توجه به اقدامات ویرانگرانه کارگزاران داخلی امپریالیسم است که می گوید: "... خباثت تنگ نظری و کور دلی بعضی از مردم، که از رفاه برخوردار هستند و مشغول سوء استفاده هستند، در این عمل (یعنی بیکاری، گران و کمبود ارزاق) موثر است. این

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۹)

خیزش توده های خلق فلسطین در سالهای ۱۳۱۵-۱۳۱۸

(۱۹۳۶-۱۹۳۹)



فلسطینی ها در کنار مایه های مسلحانه برای استقلال و آزادی خود، به کار تولیدی نیز مشغولند.

در این زمان، نیروهای سرکوبگر بریتانیا، همدوش با تروریست های صهیونیست، به گونه ای حیوانی بیکار گران فلسطینی را، که در راه استقلال و آزادی میهن خویش می رزمیدند، کشتار می کردند. در واقع این کشتارها را می توان سرآغاز سیاست نابود کردن خلق فلسطین بدست صهیونیستها بشمار آورد. از این پس، نابود ساختن و آواره کردن مردم فلسطین و جنگ اندازی بر زمین های آنها، از یکسو، و کوچاندن یهودیان و برپایی کوچ نشین (کلنی) از سوی دیگر، به سیاست پیگیر صهیونیست ها تبدیل شد. از این رو شگفتی برانگیز نیست که تنها در جریان خیزش فلسطینی توده های فلسطینی در ۱۳۱۵ (۱۹۳۶) ۲۴۰۰۰ رزمنده فلسطینی کشته، ۵۰۰۰ زخمی و ۸۰۰۰ تن زن و کودک و پیرمرد بدست صهیونیستها و سربازان اشغالگر انگلیس ناپدید گردیدند.

چهار پادشاه عرب (عراق، عربستان سعودی، یمن، اردن، خاوری) که در "نیکانندی" اعلیحضرت پادشاه بریتانیا! "کوچک ترین تردید روانی داشتند، نیز "کمیته عالی عرب" را در تنگنا گذارند. "کمیته عالی عرب" نیز در مهرماه ۱۳۱۵ (ماه اکتبر ۱۹۳۶) توده های عرب را به بر زمین گذاردن سلاح فراخواند. بدین ترتیب، آتش بیکار به خواست و پیش گامی پادشاهان سرسپرده عرب فرو نشست. دولت بریتانیا، با بهره جویی از فرصت بدست آمده، "کمیسیون سلطنتی" را برای بررسی وضع آینده فلسطین به این کشور اعزام داشت. "کمیسیون سلطنتی" به ریاست لرد پیل در ۲۴ آبان ماه ۱۳۱۵ (۱۵ ماه نوامبر ۱۹۳۶) وارد فلسطین شد.

چکیده گزارش "کمیسیون سلطنتی" چنین بود که: پایه های حکومت "سرپرستی" بریتانیا در فلسطین رو به تلاشی و فروپاشی می رود. بر این بنیان، اگر بریتانیا خواهان نجات "سرپرستی" خود در فلسطین است، باید به شیوه های ارباب ارضی - پلیسی منوئل شود. یا اگر قصد عدم دخالت در سرنوشت مردم فلسطین را دارد، بهتر است که کشور را به چند منطقه خود مختار (البته تحت سرپرستی بین المللی) تقسیم کند. بدین ترتیب، که خود فلسطین را از خاک اصلی حداسازد، دولتی یهودی در مناطق یهود نشین تشکیل دهد، بیت المقدس و بیت اللحم را سیطره سازد و دیگر قسمت ها را به اردن خاوری ضمیمه کند.

گزارش "کمیسیون سلطنتی" در تیرماه ۱۳۱۶ (ماه ژوئیه ۱۹۳۷) در "کتاب سفید" انتشار یافت، که خود خشم و کینه نه تنها مردم فلسطین، بلکه همچنین خلق های همه کشور های عربی را برانگیخت. خرم خشم مردم برافروخته شد و توده های مردم دگر بار بیکار مسلحانه را آغاز کردند. صهیونیستها و سربازان انگلیسی ۶۰۰۰ تن فلسطینی را کشتند، "کمیته عالی عرب" را از کار برکنار ساختند و اعضای رهبری کشته شدند. "کمیته عالی عرب" را به خارج از کشور روانه کردند. دادگاه های نظامی، تحت عنوان "دادگاه های دفاعی"، نیز حکم تیر باران صدها تن از میهن دوستان عرب را صادر کردند. هر خروشی با گلوله پاسخ داده می شد. اگر از روسای، یک فدایی سر به عصیان بر می داشت، آن روستا شعله ور می شد.

ولی امپریالیسم بریتانیا با وجود

مشخص است که چنین چیزی وجود دارد.

رئیس جمهور تاکید می کند که در مبارزه با این "سوء استفاده های ما" می خواهیم "شیوه های اسلامی را پیاده کنیم" و امام خمینی در پیاده کردن "شیوه های اسلامی" رهنمود مدیرانه و روشنی دارند: "طریق اسلامی اینست که مستضعفین را حمایت کنید بیشتر توجهتان به آنها باشد."

و نخستین گام برای حمایت از مستضعفین و توجه به آنها کوتاه کردن دست غارتگران از جیب آنان و جلوگیری از بهره کشی مستکبران از محرومان جامعه است، که باید با تصویب قوانین انقلابی در زمینه واگذاری زمین به دهقانان، دولتی کردن بازرگانی خارجی، تعدیل حدود مالکیت، تقلیل نرخ استعمار و غیره و غیره تحقق یابد. هیچ عمل و هیچ قدمی که بسود مستضعفان جامعه و بهبود شرایط زندگی آنان باشد، منطقی نمی تواند باشد قسط اسلامی در تضاد قرار گیرد. با حرکت از این مبداء است

همه خوشخوار بهای سی حساب، برای فروساختن بیکار آراد بیخس ملی و حفظ سربل پراهمیت خود، موفق نشد. بریتانیا، که در چشم انداز نزدیک سرازه های جنگ را در اروپا می دید، بر آن بود که در زیر سایه شوم جنگ موفقت خود را در خاور نزدیک استوار سازد. حال آنکه سیاست امپریالیستی حکومت بریتانیا در همه کشورهای عرب مورد نکوهش قرار گرفت.

امپریالیسم بریتانیا، در سال ۱۳۱۷ (۱۹۳۸) کمیته دولتی نازهای را به ریاست وایتهد روانه فلسطین ساخت. این کمیته وظیفه داشت که طرح "سل" را درباره جدبایه



ولی در این کار با آگاهی روبرو شد. پس از آن که دولت بریتانیا برای بیاد کردن طرح تقسیم سیاحت، در سپتامبر ماه ۱۳۱۷ (ماه فوریه ۱۹۳۹) "همایش میزگرد" ساخت. نام "همایش سنت جیمز"، کار خود را آغاز کرد. در این همایش گذشته از تنی چند از سیاستمداران بریتانیایی، رهبران احزاب سیاسی فلسطین، نمایندگان مصر (علی ماهر)، عراق (نوری سعید)، عربستان سعودی (امبرفصل)، یمن (امرحسین) و اردن خاوری و سیر فرسادگان "نماینده یهودی" شرکت کردند. ولی هیچ یک از نمایندگان عرب، فرسادگان "نماینده یهودی" راه رسمیت شناختن و در نتیجه دو شست حد اگانه با اعراب و یهودیان ترتیب داده شد. ادامه دارد.

(۱) - "کمیته عالی عرب" در ۵ اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ (۱۵ آوریل ۱۹۳۶) تحت رهبری حاج امین الحسینی برپا گردید.

طبقاتی، که با روح عدالتخواه اسلام سازگار نیست، از میان برداشته شود. فقیه عالیقدر آیت اله منتظری، در مخالفت اسلام با امتیازات طبقاتی، می گوید: "اسلام با هرگونه اختلاف طبقاتی، که موجب شود درکنار کاج های شما، کوخ نشین، وجود داشته باشد، مخالف است."

و هم اکنون چه بسیار کوخ ها که در کنار کاج های غارتگران، محرومان جامعه را در دل خود جای داده اند و میلیونها کوخ نشین به بهای زندگی بی تحمل و رفاه یک اقلیت استثمارگر فاقد ابتدائی ترین شرایط زندگی هستند. حکم اسلام واقعی را از زبان امام خمینی بشنوم که میگوید: "باید همه دست بدست هم بدهید که انشاء الله برای اینها (مستضعفین) یک زندگی مرفهی درست بشود." تحقق خواست امام خمینی و تامین رفاه برای میلیونها انسان زحمتکش، هرگز در شرایط ادامه غارتگری مستکبران میسر نیست. در همین ۱۵ ماهه دوران جنگ، در

که فقهای عالیقدری نظیر شهید آیت اله بهشتی، آیت اله منتظری و آیت اله مشکینی قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب را تأیید و از دولتی کردن بازرگانی خارجی، که به معنای قطع غارتگری سرمایه داران وابسته است، پشتیبانی کرده اند.

هر گام به سود محرومان جامعه، که به گفته رئیس جمهور "والا ترین مقام را در اسلام دارند"، مسلما و بدون کمترین تردید با روح عدالت اسلامی هماهنگی کامل دارد. بگفته امام علی:

"هیچ بینوائی گرسنه نمی ماند، مگر این که در مقابل آن ثروتمندی بهره کشی می کند." وجود میلیون ها کارگر و دهقان زحمتکش گرسنه و محروم و بسواد خود روشنترین دلیل مستکبران بر مستضعفان جامعه است، که نظام جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارد از آنان رفع ظلم و تبعیض کند. اگر اختلاف طبقاتی در جامعه وجود دارد - که دارد - اسلام علی و اسلام خمینی حکم می کند، که بدون تعلل و تاخیر این تفاوت فاحش

حالی که قدرت خرید زحمتکشان هر روز کاهش یافته، بر تروپ سرمایه داران بزرگ مردم افزوده شده است. محرومان در جنگ جان باختند و غارتگران از جنگ سود برده اند، و هر زمان که صحبت از ضرورت واگذاری زمین به دهقان، دولتی کردن بازرگانی خارجی و تعیین حدود مالکیت شده است، حامیان آنان فریاد "والسلام" بر داده اند و از "مشروعیت مالکیت" دفاع کرده اند. امام خمینی در دیدار با اعضاء شورای بکهان میگوید: "... ببینید این ثروتهای بزرگ چطور انباشته شده است. من احتمال این را که اینها حقوق شرعی خود را پرداخته باشند، حتی در مورد یک نفرشان هم نمی دهم. در مواردی اگر تمام اموالشان هم گرفته شود، باز بابت حقوق شرعی بدهکارند." امام خمینی می فرماید: "... شما بیاید احکام الهی را اجرا کنید. باید قوانینی وضع بشود که حقوق محرومین و فقرا به آنها بازگردانده شود." امام خمینی بازگرداندن حقوق بقیه در صفحه ۱۳

متحدان بنی صدر - سرمایه داری لیبرال ایران (۱۱)

سرمایه داری لیبرال ایران، در جریان تعمیق انقلاب اسلامی ضد - امپریالیستی و مردمی ایران، به شیوه های گوناگونی گوشه ها، تا انقلاب را مسخ کند، در شماره های گذشته با عبادین گوشش ها را در جهت مسخ انقلاب شکوهمند مردم ایران، از طریق خارج کردن دشمن اصلی آن، یعنی آمریکای امپریالیستی از زیر ضربه و جانشین ساختن اتحاد شوروی به جای آن، و نهایتاً اتصال مجدد ایران بد چرخ جهانی سرمایه، مورد بررسی قرار دادیم. در این راستا و به منظور تصویر سازی روشن تر سرمایه داری لیبرال ایران برای مقابله با انقلاب، به یکی از عوام فریبانه ترین ترغیب های سرمایه داری لیبرال ایران یعنی توسل به کلمه زیبای "آزادی" و استتار اهداف طبقاتی سرمایه داری لیبرال ایران در پس این شعار، میرسیم. این میحت بویژه از آن جهت حائز اهمیت است که این حاد صاف کن های آمریکا توانستند زیر پرچم "آزادی" (یا استفاده از انحصار طلسمی قشریون و تمایلات انحصار طلبانه در برخی از محافل حاکمیت) گروهی از عناصر آزادیخواه، لیکن ناآگاه را به سوی خود جلب کنند. در واقع این بار لیبرال ها نشان دادند که پرچم اصلی آنها "آزادی" است و به خوبی هم فاش کردند که منظورشان کدام "آزادی" است.

ای آزادی! چه جنایت هائی که به نام تو نمی کنند

از همان روز هائی که نطفه انقلاب اسلامی ایران، در خون شهیدان و در بستر آرزوهای مردم مبارز و مستعدیده ما بسته می شد و فریاد استقلال طلبانه و آزادیخواهانه خلق های ما می رفت تا گوش امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا کرکند و ارکان حکومت سرمایه را به لرزه در آورد، از همان روزها، صدای ضعیف سرمایه داری لیبرال ایران، چیزی جز خواست مشارکت در غارت دربار پهلوی و وابستگی این یادوهای امپریالیسم جهانی را منعکس نمی کرد. آقایان "آزادیخواه" بودند، اما خواهان آزادی حکومت سرمایه غم شان نه غم محرومان، که حسرت بخور بخور - های "سرمایه داری وابسته به امپریالیسم جهانی بود. از همین رو "آزادی" مورد نظر سرمایه داری لیبرال ایران، ماهیتا و زمین تا آسمان، با آزادی مورد توجه توده های میلیونی مردم مبین ما تفاوت داشت. و درست به همین دلیل بود که انقلاب از نظر آنان در شعار "شاه باید سلطنت کند و نه حکومت" خلاص می شد، و وقتی هم که زیر فشار جنبش انقلابی مردم حلو رفتند، فقط آن را خروج شاه و سرنگونی استبداد می دانستند و از تعمیق آن ناراضی و نگران بودند.

انقلاب را که تا سر رسید به اخراج شاه و سرنگونی استبداد توجه اصلی داشت... توسعه به خواسته های فوری دیگر دادند... (۳ اسفند ۵۹ - میزان) در چارچوب همین تفکر بود که شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" توسط جبهه متحد ضد انقلاب به رهبری بنی صدر و سرمایه داری لیبرال ایران تحریف و از میان آن تنها "آزادی" برجسته شد؛ زیرا که اینها هرگز نه خواستار استقلال بودند نه در جهت کسب استقلال قدمی برداشته بودند. سرمایه وطن نمی شناسد، لیک بدون "آزادی"، آزادی غارت می میرد. ... در این سه جز (استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی) یا سه پایه شعار کدامیک مهمتر از هم است... به عقیده ما آزادی... (۱۶ اردیبهشت ۶۰ - میزان)

و البته به این "دلیل" که: "استقلال... امر قائم با لذات و دوام دار نیست... (همانجا) بنی صدر نیز، پوسته حرفش که شکافته می شد، همین را می گفت: ... با این تعریف از استقلال (تعریف بنی صدر) طبیعی است که خواننده خواهد گفت: پس در این جهان هیچ کشور مستقلی وجود ندارد؟ جوابم این است که: چنین است، چون هیچ کشور مستقلی وجود ندارد... (۱۷ دی ۵۹ - انقلاب اسلامی - مقاله بنی صدر درباره مفهوم استقلال)

آمیخت است... (۱۵ اردیبهشت ۵۹ - کیهان - سخنان بنی صدر) و صدای بنی صدر در بلندگوی سرمایه داری لیبرال ایران انعکاس می یافت که:

"... ابرهای تیره آسمان انقلاب را پوشانیده است... (۱۸ آذر ۵۹ - میزان) و هم اینان در سراسر کشور درگیری بوجود می آوردند و با ایراد سخنرانی های تفرقه انگیز و ضد انقلابی همزم به این آتش آمریکا برافروخته می افزودند و بعد هم فریاد می زدند که چرا ما آزادی همزم کشی برای آمریکارا نداریم:

"... انقلاب می باید به زبان سرخ ما امکان بدهد که سرسبز ما را افزاشته نگهدارد... (۵ اردیبهشت ۶۰ - انقلاب اسلامی - بنی صدر)

توطئه "آزادی"

آغاز می شود

این آتش افروزی ضد انقلابی، با دستگیری صادق قطب زاده (که بی نیاز از توصیف است) و وارد مرحله جدی تری شد و آقایان با اعلام این که: "اگر قطب زاده... قابل توقیف باشد، دو سوم مردم ما به همان جرم قابل توقیف هستند... (۱۸ آبان ۵۹ - میزان)

دولتی وجود داشته باشد. برقراری رابطه با ایران وقتی ممکن است که عناصر میانه روتری در ایران روی کار آیند... (۲۲ دی ۵۹ - کیهان) و جبهه متحد ضد انقلاب، که طبق نقشه ارباب آمریکایی عمل میکرد بی پروا خود را برای احضار آخرین صحنه این توطئه ضد انقلابی آماده می کرد. در اجرای این توطئه بود که سرمایه داری لیبرال ایران نیز، دست خود را بازتر و بازتر کرد و البته بر علم "آزادی":

"... انتخاب در جامعه ما در این مرحله دقیقاً آنست که آیا باید به سوی جامعه بازی برویم که در آن آزادی افراد و اجتماعات تضمین شده است... یا اینکه جامعه بازگشت کند به سوی جامعه بسته ای که در کلیات مشابه جامعه قبل از انقلاب است... (۱۷ آذر ۵۹ - میزان)

و سپس اینکه: آری، یا "جامعه باز" یا جامعه آریامهری. جامعه آریامهری که نه! یعنی می ترسیدند که در برابر مردمی که جامعه آریامهری را به زباله دان تاریخ فرستاده بودند، به این جامعه هم آشکارا آری بگویند، پس "جامعه باز"! این "جامعه باز" هم البته جمهوری اسلامی نبود، زیرا منظور ریگان چیزی جز این بود. آمریکائی ها این جمهوری را نمی خواستند، را دیوختیار هم... امروز روزی است که باید

آزادی - پرچم اصلی لیبرالها برای مسخ انقلاب

دولت به اصطلاح مکتبی رجائی... حزب منفقور جمهوری اسلامی، حزب وابسته توده، مجلس شعبده بازی آخوندها و خمینی... از سر راه بر داشته شوند... (۲۵ آبان ۵۹) "رجح بر آمریکا هم که همین را می گفت: ... دولت رجائی باید برود... (شماره ۱۷۷) پس جراد کتیزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت و یکی از مذاکره کنندگان با برژینسکی، همین را نگویید: "این دولت (رجائی)... را باید تغییر داد... (۱۵ اسفند ۵۹ - انقلاب اسلامی). پس روشن بود که آقایان "جامعه باز" یعنی "دولت مانهرو"، یعنی "مشروطه بدون سلطنت"، یعنی نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم می خواستند. شکل آن هم که اسلام مهم نیست مگر رژیم ضیا الحق در جمهوری اسلامی پاکستان" چه بدی دارد؟! ...

کدام آزادی؟ آزادی سرمایه داران...

انگار داریم به لب کلام دست می یابیم: "جامعه باز" آزادی... و لیبرالها باز هم به ما کمک می کنند. تا این "جامعه باز" و این "آزادی" را بهتر بشناسیم: ... حالا در روسیه... حزب بیشتر نیست، که آنهم کارش دیکتاتوری است... (ولی) در ممالک دمکراسی به اصطلاح ممالک اروپای غربی... احزاب مختلفی هم هست... کاری که آنها نمی کنند این است که وقتی آمدند و قدرت را در دست گرفتند، هرکس را که عضو حزب مخالف بوده از اداره بیرونش نمی کنند... (۲۳ بهمن ۵۹ - میزان، نطق مهندس بازرگان) لیبرالها به تلویح آمریکا را نیز در این "جامعه باز و آزاد" حای دادند... آری... و اترگیت را به بهانه رفتن آبرو سرپوش نهادند و نیکسون و وارودسته اش را از محاکمه معذور داشتند... (۱۱ بهمن ۵۹ - میزان) حالا دیگر قضیه روشن میشود.

کوشیدند تا اولاً "وحیه الملّه" بسازند و ثانیاً زیر پرچم "آزادیخواهی" یار - گیری کنند. در این دوران سرمایه داری لیبرال ایران، با استفاده از حومتشچی که ساواکی ها، سلطنت طلبان، رهبری خائن "مجاهدین خلق" و مائوئیستهای آمریکایی، با راه اندازی درگیری های مختلف در سراسر کشور، بوجود آورده بودند، از سوئی، و بهره گیری از نطق های نفاق افکنانه و اقدامات خرابکارانه بوالحسن بنی صدر از سوی دیگر، آشکارا از "اعمال ضد انقلابی علیه حاکمیت" جمهوری اسلامی ایران به دفاع پرداخت:

"... مردم... در برابر هیولای بی شاخ و دم اختناق عاقلانه و منطقی عکس العمل نشان دادند و... ثابت کردند که اگر... متوابعان انقلاب... مردم را آزاد بگذارند، انقلاب... تداوم می یابد... (۲۰ آبان ۵۹ - میزان - از سر مقاله "ریشه های اختناق را در یابید")

و آخر هم اینکه: "... نهضت آزادی... ضمن محکوم کردن دسائیس فرصت طلبان و مغرضین... از مردم دلیر ایران... دعوت می کند که برای حفظ ارکان جمهوری اسلامی ایران... بکوشند... (۱۶ آذر ۵۹ - میزان) بنی صدر نیز ضد انقلاب را به مقاومت تشویق می کرد:

"... به شما مردم می گویم اگر امروز نسبت به امور لاقید بمانید... استقامت نکنید، برای شما هم فردا دیر خواهد شد، چون از نواستبداد جدیدی برقرار می شود... (کارنامه بنی صدر - جلد ۵ - صفحه ۱۴۶) چندان طول نکشید که روشن شد حو سازی سیاسی لیبرالها و بنی صدر از سوئی و ایجاد اغتشاش و درگیری از جانب ساواکی ها، سلطنت طلبان، رهبری خائن "مجاهدین خلق"، "بیکار" "رنجبران"، "اقلیت" و... دوروی یک نقشه است: نقشه آمریکا برای سرنگونی دولت شهید رجائی و روی کار آوردن دولت "ممانهرو" و ریگان این نقشه را به صراحت اعلام کرد: "... من شک دارم که در ایران

از کلماتی که بدست آورده ایم، جمله واقعی را می سازیم: ... انتخاب در جامعه ما... آنست که... باید بسوی جامعه بازی برویم... (مانند) ممالک دمکراسی غربی... و (آنجا) که اترگیت را سرپوش... نهادند! و این لب کلام است: "جامعه باز" اصطلاح باز غربی ممالک به اصطلاح دمکراسی غربی، یعنی سرمایه داری امپریالیستی! و لیبرالها دلشان برای این "جامعه باز" و این "دمکراسی" لک زده بود. اگر ما شاه آب شان دقیقاً در یک حوی نمی رفت، ناشی از این بود که شاه سهم آنها را بالا کشیده بود. والا دعوی دیگری که با او نداشتند. و این بود محتوی "آزادیخواهی" سرمایه داری لیبرال ایران، که "صدای آزاداویسی هم، همزمان با لیبرالها، به نبودن آن اعتراض می کرد: ... حکومت تهران... می رود تا اختناق و سانسور کامل را برقرار کند... (۱۹ فروردین ۶۰) اما انقلاب ادامه داشت خواست توده ها آزادی واقعی بود، آزادی از ظلم و ستم و استثمار کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و لیبرالها از همین خشمگین بودند: ... روی هر صاحب زمین... چون نمی خواهیم مالکی و مالکیتی در این سرزمین ببینیم، برچسب فتوای زده از هستی و زندگی ساقطشان کنیم

مدیران کارخانه ها و سهامداران شرکتها... چون استثمارگران وابسته به استعمار و سرمایه داران بند... دیگر به موسسه خود راه ندهیم... و تولید مملکت را چون نظام سرمایه داری است فلج سازیم... (همانجا) آری، این چه مملکتی است که در آن آزادی استثمارگر وابسته به استعمار بودن از انسان سلب می شود؟! بی جهت نبود که لیبرالها فریاد میزدند: "... ابرهای تیره آسمان انقلاب را پوشانیده است... (۱۸ آذر ۵۹ - میزان) و متوحش می نالیدند که: ... وای چه دور نمای تیره های در انتظار... ماست... (همانجا) سخنگویان سرمایه داری لیبرال ایران در اختتاماتشان ظاهراً... می خواستند بگویند آزادی در جنگا! انحصار طلسمی... بزودی خفه خواهد شد... (۹ اسفند ۵۹ - میزان) اما واقعا می نوشتند که: "... کار به حائی رسیده که با بودر به نام اسطوره مبارزه با سرمایه دار معرفی میشود... (۱۶ شهریور ۵۹ - میزان) ویا: "... درخت ایدئولوژی شما (پهروان خط امام) میوه های مارکسیستی دارد... عناد خاص با سود و مدیریت خصوصی داشته اگر دستتان برسد هر چه سرمایه و مالکیت و معامله است از بین برده کشور را یکسره طی یعنی دولتی می کنید... (۱۲ اردیبهشت ۶۰ - میزان) و: "... مستضعف به معنای فقیر و بیچاره و مسکین نیست... (۳۰ آذر - میزان) و: "کار فرمایان... مستکبر نیستند... (همانجا) آری، لیبرالها آزادی "را برای این می خواستند که نظام سرمایه داری فلج نشود، که "استثمارگر وابسته به استعمار" وجود داشته باشد که "سود و مدیریت خصوصی" برقرار ماند، که "سرمایه و مالکیت و معامله" از بین نرود، که دستهای پیچیده دهقانان سند نباشد، که کوخ نشینان و مستضعفان صاحب دسترنج خویش نشوند... که... و برای نیل به این "آزادی" بود که لیبرالها در جبهه متحد ضد انقلاب به رهبری بنی صدر شرکت فعال داشتند. (ادامه دارد)

سال گذشته مسیحی

سال ۱۹۸۱ میلادی گذشت و سالی نو آغاز شد. سال نو میلادی را صد ها میلیون نفر در سراسر جهان با امیدها و آرزوهای خویش استقبال کردند.

تمام سال گذشته مسیحی را مردم جهان در اضطراب و نگرانی روز افزون گذراندند. این نگرانی به ویژه در منطقه ما و در قاره اروپا بیشتر بود.

امریالیست های آمریکا و سایر نیروهای تجاوزگر نتوانستند در سال گذشته مسیحی به هیچ یک از هدف های شوم خود برسند.

در سال گذشته جنبش های انقلابی ضد امریالیستی و مبارزه خلق ها بخاطر حفظ صلح گامی بلند جلو برداشت.

هرچند تن دادن دولت ریگان به شرکت در مذاکرات کاهش تسلیحات هسته ای مانوری انحرافی برای فرونشاندن موج اعتراضات همگانی در اروپا بود.

مبارزه

در راه قطع مسابقه تسلیحاتی

بزرگترین وظیفه همگانی

قطع مسابقه تسلیحاتی نه تنها به لحاظ اهمیتی که در کاهش خطر جنگ دارد، بلکه همچنین از دیدگاه حل مسأله ای که جامعه بشری به ویژه محرومترین خلق ها با آن روبرو هستند، حائز اهمیت طراز اول است.

تصور اشتباه در آن نبود، آری، مسابقه تسلیحاتی ده هزار میلیارد دلار برای جامعه بشری تمام شده است. افزایش روز افزون هزینه های نظامی در کشورهای سرمایه داری موجب تشدید گرایشهای توری میگردند.

تفسیر وقایع مهم جهان



صلحدوست است، زیرا مسابقه تسلیحاتی، چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی و اجتماعی، برای جامعه بشری بویژه محرومترین بخش آن در جهان سوم ناگوارترین پیامدها را بدنیال دارد.

اهمیت جنبش صلح و تلاش دنیای سوسیالیسم برای پایان دادن به این پدیده شوم، که زائیده نظام منحصص سرمایه داری انحصاری است، با در نظر گرفتن پیامدهای ناشی از آن، روشنتر به چشم میخورد.

ما باید بدان پایه نیرومند باشیم که بتوانیم از منافع خود در هر نقطه از جهان دفاع کنیم.

منافع امریالیسم آزمدنیانکی را نیز حدود مرزی نیست، و این منافع نامشروع را نیز جز با تسلیحات و زور نمیتوان تامین نمود.

اسرائیل

چماق - شیطان بزرگ - آمریکا

شورای امنیت سازمان ملل متحد برای بررسی شکایت سوریه در مورد الحاق بلندی های جولان از سوی رژیم غاصب اسرائیل تشکیل جلسه داد و این عمل اسرائیل را محکوم کرد.

چماق بزرگ برای حفظ منافع غارتگرانه خود و تمام دنیای امریالیستی استفاده میکند.

آیا کشورهای عربی میتوانند به این برتری پایان دهند؟ آیا امکانات مادی، انسانی، و روحی خودشان و شرایط بین المللی به آنها اجازه میدهد که این برتری را از میان بردارند، اسرائیل را سرخای خود بشنوند و مشعل جنگ - آفریزی و زورگوئی را از دستش بستانند؟

به گمان ما آری، اما بدان شرط که از سیاست "کوسه و پیش پهن"، که در اغلب دولت های عربی حکمفرماست، دست بردارند و نخواهند دو چیز ماعه الجمع - دوستی با آمریکا و دشمنی با اسرائیل را در یکجا گرد آورند.

حاجت به ذکر نیست که شاهرگ دنیای امریالیسم در دست اعراب است. ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی و ژاپن بدون نفت عربستان سعودی، کویت، امارات متحده، عراق، لیبی و الجزایر نمیتوانند چرخ اقتصاد خود را به گردش در آورند.

حاجت به ذکر نیست که شاهرگ دنیای امریالیسم در دست اعراب است. ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی و ژاپن بدون نفت عربستان سعودی، کویت، امارات متحده، عراق، لیبی و الجزایر نمیتوانند چرخ اقتصاد خود را به گردش در آورند.

حاجت به ذکر نیست که شاهرگ دنیای امریالیسم در دست اعراب است. ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی و ژاپن بدون نفت عربستان سعودی، کویت، امارات متحده، عراق، لیبی و الجزایر نمیتوانند چرخ اقتصاد خود را به گردش در آورند.

نه تنها بصورت تحریم ارسال نفت، بلکه حتی با کاستن از تولید میتوانستند هارترین جناح های امریالیسم آمریکا و اروپای غربی و ژاپن را به تجدیدنظر در سیاست خود در خاور نزدیک و میانه وادار سازد.

تضاد بین کشورهای مترقی و مرتجع عرب قبل از هر چیز در مسئله دوستان و دشمنان جنبش آزادیبخش خلق های عرب شکل گرفته است.



همسفر سابق خائن لهستان در ایالات متحده آمریکا در آغوش ریگان! ضدانقلاب لهستان و سازمانده ضدانقلاب لهستان در ماتم شکست خود گریانند.

آهنگ انجام میگیرد، گرایش های سالم سیاسی در میان خلق های عرب در حال رشد، یافتن است.

آیا کشورهای مترقی منطقه میتوانند، با پشتوانه نیرومند جنبش انقلابی ایران، دنیای عرب را به ایستادگی در برابر سیاست تجاوزکارانه اسرائیل، که امروز در جولان نمودار گشته و فردا بی تردید به کرانه های رودخانه آردن و سرزمین مصیبت زده لبنان کشانده خواهد شد، وادار سازند؟

ضربت دردناک لهستان بر پیکر امریالیسم

ضربت لهستان بر پیکر امریالیسم بیش از آنکه در ابتدا بمنظر می آمد، کاری بوده است. آنه و ناله های کتنام رسانه ها و مطبوعات دنیای بقدر صفحه ۱۰





# جمهوری غنا

## به کجا می رود؟



دکتر قوام نکرومه، پایه گذار جمهوری غنا.

\* غنا نخستین کشور آفریقای سیاه بود، که از استعمار بریتانیا رهایی یافت.

\* "چنانچه حکمرانان از مقام خود برای پیشبرد منافع خویش، بهره جوید، با مقاومت روبرو میشوند و مقام آنها از ایشان گرفته خواهد شد"  
جرمی راثولینگز - ۲۳ مه ۱۳۵۸

"هیلا لیمان" می گذشت، ویژگیهای رژیم های پیشین، یعنی رکود اقتصادی، فشار برجستگ کارگری، قاچاق، گسترش بازاریاب و فساد، نمایان تر می گردید. از سوی دیگر، "حزب ملی خلق" روز بروز بیشتر به گوندهای "نکرومه گرای" مبهم تظاهر می کرد.

### هدفهای اجتماعی «نکرومه»

هدف اجتماعی "قوام نکرومه" آن بود که از راه تشویق دهقانان خرده و وضع مالیاتهای دولتی بر ترابری، فرامرزی و پایه گذاری صنعت ملی، از نفوذ سرمایه بومی و بین المللی بکاهد. در دوران حکومت او خرید و فروش کاکائو بدست دولت افتاد، تشکیل تعاونی های مرکب از دهقانان خرده و تشویق شد و نخستین مزارع دولتی تاسیس یافت. دولت "نکرومه" در آغاز سالهای ۶۰ به گسترش بخش دولتی، برنامه ریزی اقتصادی، نظارت دقیق بر واردات و سرمایه گذاری بیشتر در پروژه های بزرگ صنعتی دست زد. اما این گام ها به دگرگونی بنیادی مناسبات مالکیت و روابط تولیدی نیانجامید. مهمترین عواملی که به شکست "قوام نکرومه" منجر شد عبارت بود از: موضع گیری تردید آمیز در برابر سرمایه، تسبیح ناکافی توده مردم تحریم اقتصادی کشورهای امپریالیستی (بویژه ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و جمهوری فدرال آلمان) و ایستادگی سرخستانه سران قبایل و بورژوازی، که بخشی از امتیازات خود را از دست داده بودند. فزون بر این، "نکرومه" و حزب کنکره "خلق"، او، با برخی گامهای مستبدانه، "پارتنری بازی"، فساد، رفته رفته خود را تا اندازه ای منزوی کردند. از اینرو، کودتای ۴ بهمن ۱۳۴۴ (۲۴ ژانویه ۱۹۶۶) ارتش، که کشورهای امپریالیستی نیز در آن سهم اندکی نداشتند، با مقاومت چندانی روبرو نشد.

### رژیم وابسته به امپریالیسم «بوسیا»

ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و جمهوری فدرال آلمان سیاست خصوصی کردن صنایع و بازرگانی خارجی را از سوی "شورای آزادی ملی"، بر رهبری "آفریقا"، "انکراه" و "هارلی"، یا کمک اقتصادی "سختاوتمدانه" پاسخ گفتند. افزایش قیمت کاکائو در بازارهای بین المللی نیز به تشبیه اجتماعی و اقتصادی غنا کمک کرد، به طوری که نظامیان توانستند در تابستان ۱۳۴۸ (اوت ۱۹۶۹) قدرت را به "حزب پیشرفت" بسپارند. رهبری این حزب

به مدرسه میروند. نایبهمه ۶ درصد غنایی ها بی سوادند. در سال ۱۹۷۳ در غنا ۱۰۳۹۳ دبستان (با ۱/۴ میلیون دانش آموز دبستانی و در حدود ۴۸ هزار آموزگار) و ۱۶۸ دبیرستان (در حدود ۶۱۰۰۰ دانش آموز دبیرستانی) وجود داشت. غنا همچنین دارای ۵۱ موسسه تربیت معلم ۵۰ مدرسه فنی و ۳۲۸ مدرسه حرفه ایست. درسه دانشگاه غنا ("دانشگاه غنا" در لگون، "دانشگاه علوم و فن" در کوماسی و "دانشگاه کیپ کست") در حدود ۵۱۰۰۰ دانشجوی تحصیل می کنند.

فزون بر این، در حدود ۲۰۰۰۰ غنایی در خارج به تحصیل اشتغال دارند. در سال مالی ۱۹۷۷/۷۸ دولت غنا ۴۰ میلیون سدی صرف آموزش و پرورش کرد.

در سال ۱۹۷۶، در غنا درازای هر ۱۰۳۱۰ نفر یک پزشک و برای هر ۶۴۸ نفر یک تختخواب بیمارستان وجود داشت. شماره بیمارستانها و درمانگاههای غنا برابر با ۲۶۴ است.



هیلا لیمان، رئیس جمهور سرنگون شده غنا

### وضع زحمتکشان

غلیب غم گام های گوناگون دولت در راه بهبود وضع زحمتکشان (افزایش حداقل دستمزد و قیمت خرید فرآورده های کشاورزی و غیره) سطح زندگی مردم غنا همچنان پائین باقی مانده است. علت عمده را باید در تورم توان فرسا جستجو کرد. شاخص کالاهای مصرفی در سالهای ۷۸ - ۱۹۷۰ به ۱۰۳۳ رسید (۱۰۰ = ۱۹۷۰). (این رقم برای مواد غذایی ۱۳۶۸ بود). کوچ روستائیان به شهرها بر بیکاری می افزود. انتظار عمر غنایی ها ۴۸ سال است.

### نگاهی به اوضاع

### سیاست داخلی و خارجی غنا در سالهای گذشته

هنگامیکه در ۲ مه ۱۳۵۸ (۲۴ سپتامبر ۱۹۷۹) نظامیان پس از انتخابات عمومی زمام امور را به "دکتر هیلا لیمان" سپردند، "جرمی راثولینگز" صدر "شورای انقلابی نیروهای مسلح"، هشدار داد: "چنانچه حکمرانان از مقام خود برای پیشبرد منافع خویش بهره جویند، با مقاومت روبرو میشوند و مقام آنها از ایشان گرفته خواهد شد." اما هرچه بیشتر از ریاست جمهوری

از قبوه فرآورده های نخل و مور و غیره، برای مصرف داخلی برنج، درت، بادام زمینی و انواع سبب زمینی های مناطق حاره نیز کشت می شود. بارآوری کشاورزی بسیار نازل و مساحت بیشتر کشتزارهای کاکائو تنها در حدود ۲ هکتار است. تولید سرانه خواربار در سالهای ۷۷-۱۹۷۱ در حدود ۱۵ درصد کاهش یافت. (جدول شماره ۲)

دامداری در غنا، بعلت نامساعد بودن آب و هوا، دارای اهمیت چندانی نیست. غنا هر ساله در حدود ۲۰۰۰۰ گاو، ۲۰۰۰۰ گوسفند و ۲۰۰۰۰ بز از کشورهای همسایه وارد می کند. در سالهای گذشته ماهیگیری در غنا اهمیت فزاینده ای یافته است. جنگل دارای غنا نیز در اقتصاد این کشور سهم بزرگی دارد. هر ساله در حدود ۲ میلیون مترمکعب چوب در این کشور بریده و ۱/۶ میلیون مترمکعب آن صادر می شود. اوضاع مالی: بانک ناشر اسکناس غنا "بانک غنا" (Bank of Ghana)

\* درآمد سرانه غنایی ها در حدود ۳۸۰ دلار در سال است.

\* غنا یکی از بزرگترین صادر کنندگان کاکائو در جهان است.

\* نرخ تورم در غنا به ۲۰۰ درصد رسیده است.

است. در سال ۱۹۷۹: ۳/۸ میلیارد سدی در گردش بود (سال ۱۹۷۰: ۳۰۶ میلیون سدی). میانگین سالانه نرخ تورم از ۷/۶ درصد در سالهای ۷۰-۱۹۶۰ به بیش از ۷۰ درصد در سالهای ۷۷-۱۹۷۰ افزایش یافت. ترانزنامه بازرگانی غنا سالهاست که منفی است. در سال مالی ۱۹۷۷/۷۸ ۱۷۷ میلیون سدی صرف پرداخت اعتبارات شد. در همین سال ذخیره ارزی غنا برابر با ۲۲۶ میلیون دلار ایالات متحده آمریکا بود. غنا در سال مالی ۱۹۷۸/۷۹ ۷۰۰،۱۹۷۸/۷۹ میلیون سدی کسری بودجه داشت. (درآمد: ۳/۲ میلیارد، هزینه: ۳/۹ میلیارد).

### بازرگانی خارجی:

بازرگانی خارجی: بازرگانی خارجی غنا تقریباً در اختیار دولت است. ترانزنامه بازرگانی خارجی این کشور بستگی زیادی به نوسانات قیمت کاکائو و دیگر فرآورده های صادراتی آن (چوب، آلومینیوم، الماس، طلا) در بازارهای جهانی دارد. واردات غنا ماشین آلات و تجهیزات، وسائل نقلیه و مواد غذایی را در بر می گیرد. مهمترین شریکان بازرگانی خارجی غنا عبارتند از: بریتانیا، ایالات متحده آمریکا، جمهوری فدرال آلمان و هلند. (جدول شماره ۳)

### آموزش و پرورش و بهداشت

غنا دارای آموزش و پرورش ابتدایی نسبتاً پیشرفته ایست. ۷۰ درصد کودکان این کشور

روزی پنجمین بار کودتای نظامی را علیه دولت غنا رهبری کرد که به سرنگونی رژیم "هیلا لیمان" انجامید. "جرمی راثولینگز" در نخستین پیام رادیویی خود پس از کودتا، در روز شنبه ۱۲ دی ۱۳۶۰ (۲ ژانویه ۱۹۸۲) اعلام داشت که، "شورای موقت دفاع ملی" زمام امور را به دست گرفته، پارلمان غنا را منحل کرده، احزاب سیاسی را ممنوع ساخته و قانون اساسی را به تعلیق در آورده است. "راثولینگز" رژیم "لیمان" را یکی از تنگ آورترین حکومت های غنا خواند. به گفته وی:

"مردم غنا از همه حقوق بشری و بنیادی خود، به ویژه از حق بهره گیری از محصول کار خویش محروم شده اند... دموکراسی تنها تضمین آزادیهای محدود بر روی کاغذ نیست، بلکه در درجه نخست به معنای تامین خوراک، پوشاک و مسکن است، که بدون آنها زندگی مفهوم خود را از دست می دهد... وقت آن فرا رسیده، که جامعه غنا دگرگون و بدین سان، به دموکراسی معنای راستین آن بازگردانده شود."



جرمی راثولینگز، رهبر کودتای ۱۰ دی ۱۳۶۰

اشتغال دارند. مهم ترین رشته صنعتی غنا معادن است، که سهم آن در صادرات کشور در حدود ۲۰ درصد است. در حدود ۵۰ درصد صنایع استخراجی در دست دولت است. بزرگترین پروژه صنعتی غنا تاکنون سد رودخانه ولتا بوده است، که حتی به کشورهایی چون توگو و بنین برق می رساند. امام مهم ترین مصرف کننده برق سد رودخانه ولتا و آلومینیوم سازی "تاما" است. صنایع غنا، فزون بر یک فولاد سازی و یک پالایشگاه، کارخانه های تولید مواد غذایی و رشته های چوب، نساجی و شیمی را در بر می گیرد. اکنون نیروگاه دیگری در کیونگ (استان خاوری) با هزینه ۲۳۰ میلیون سدی در دست ساختمان است. بخش دولتی اقتصاد در حدود ۱۶ کارخانه را در بر می گیرد. دولت غنا تاسیس کارخانه های کوچک را برای تبدیل مواد خام خانگی تشویق می کند. (جدول شماره ۱)

کشاورزی: در کشاورزی غنا در حدود ۶۰ درصد زحمتکشان کار می کنند. تنها ۱۰ درصد زمینهای حاصلخیز غنا زیر کشت است. غنا یکی از بزرگترین صادر کنندگان کاکائو بشمار می رود. تولید کاکائو در غنا، بعلت کهنگی شیوه های کشت و کمبود نیروی کار، در سالهای گذشته کاهش چشمگیر یافته است. دیگر فرآورده های صادراتی غنا عبارتست

### نام رسمی

"جمهوری غنا" Republic of Ghana

### سرزمین و سکنه

وسعت: ۲۳۸۵۲۸ کیلومتر مربع، جمعیت: ۱۰/۵۹ میلیون نفر - ۴۲ نفر در هر کیلومتر مربع (۱۳۵۷)، پایتخت: آکرا (۱ میلیون نفر)، زبان رسمی: انگلیسی (علاوه بر این به بیش از ۷۵ زبان ولهجه محلی سخن گفته می شود)، پول: سدی (C) = ۱۰۰ پساوا، سدی = ۱۵ سنت ایالات متحده آمریکا، تقسیم اداری: آشانتی، برونک، آهافو، استان مرکزی، استان خاوری، آکرای بزرگ، استان شمالی، استان علیا، ولتا و استان باختری، مهم ترین شهرها: کوماسی، سکودی - تاکوآدی، کیپ کست، تاماله، بولگانانگا و کوفوریدو (همه این شهرها بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارند).

ترکیب جمعیت: سکنه غنا بیش از ۱۰۰ گروه قومی را در بر می گیرد. مهم ترین آنها عبارتند از: آکان ها (آشانتی، فانتو و برونک)، که ۴۴ درصد سکنه را در بر می گیرند، موسی - ها (۱۶ درصد)، اوها (۱۳ درصد) و گاهای فزون بر این، ۱۶۰۰۰ عرب و اروپایی در غنا زندگی می کنند. مذهب: مسیحی (۴۳ درصد)، پیروان مذاهب طبیعی (۴۰ درصد) و مسلمان (۱۲ درصد - بویژه در شمال کشور).

### اقتصاد

اوضاع عمومی: غنا کشوری است کشاورزی و دارای منابع غنی ماده خام و صنایع تبدیلی نسبتاً رشد یافته. اقتصاد این کشور در دوران استعماری تک فرآورده ای (کاکائو) و صنایع استخراجی آن نیز از اهمیت ویژه برخوردار بود.

غنا بیست و چهار سال پیش (۱۹۵۷) به استقلال دست یافت و به رهبری "قوام نکرومه" راه رشد غیر سرمایه داری را پیش گرفت. پس از سرنگونی "نکرومه" (۱۹۶۶) دولت های نظامی و بویژه دولت "بوسیا" غنا را بیش از پیش وابسته به کشورهای امپریالیستی کردند. در غنا انحصارات بیگانه (بریتانیا، جمهوری فدرال آلمان و ایالات متحده آمریکا) از نفوذ گسترده برخوردارند. از سوی دیگر، در سالهای گذشته



جمهوری غنا

بقیما از صفحه ۸

واسه به امپریسم را "کوفی بوسا" معده داشت...

اصلاحات اجتماعی، گسترده‌گی طیف نیروهای سیاسی و جریانات ایدئولوژیک درون آن و رقابت‌های شخصی میان اعضای "شورا" بود...

انتخابات پارلمانی

بدینسان، در روز ۲۸ خرداد ۱۳۵۸ (۱۸ ژوئن ۱۹۷۹) انتخابات پارلمانی در غنا برگزار شد...

در این انتخابات، "حزب ملی خلق" ۷۱ کرسی، "حزب جنبه" ۴۲ کرسی، "کنگره ملی متحد" ۱۳ کرسی، "حزب کنگره" ۱۰ کرسی و جنبه سوسیال دمکرات ۲ کرسی بدست آورد...

شکست سیاست «لیمان»

اما این وعده و وعیدها هم تنها بر روی کاغذ ماند. تولید کماکان کاهش پذیرفت، کسری ترازنامه بازرگانی خارجی فزونی یافت...

مهمترین رویدادهای تاریخ غنا

- ۱۹۴۷- برعکالی‌ها بر واصل عسای امروزی حکم می‌انداختند. ۱۸۷۴- سروهای بریتانیا کوماسی، با تحت امیراوری آسیایی را صرف و تشکیل مسعمره ساحل طلا را اعلام می‌کنند...

- ۱۹۴۹- تأسیس "حزب کنگره خلق" ۱۹۵۲- دستیابی به خودگردانی داخلی، برای نخستین بار یک آفریقایی (دکتر فوام نکرومه) رئیس جمهوری بود. ۱۹۵۷- (۶ مارچ) دستبندی به استقلال سیاسی در چارچوب "کشورهای مسرک المنافع بریتانیا"...

آمریکا ایران را...

بقیما از صفحه ۷

چنین منظر می‌رسد که آمریکا می‌بایست از این ماجرا درس عبرت بگیرد و دیگر به این قبیل ماجراها دست نزند...

هفته‌نامه "عصر جدید" در پایان می‌نویسد:

"خلاصه‌اشنگتن همچنان ایران را جلوی میکس گرفته است. این وضع ایجاب می‌کند که مردم ایران در مورد دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا و عوامل آن‌هشیاری خاصی از خود نشان دهند"

خلق" در کارزار تبلیغاتی خود نزدیکی بیشتر به غرب، "دوستان" غنا، "صندوق بین‌المللی پول" و "جامعه اروپا" را "نویس" می‌داد.

"کنگره ملی متحد" (United National Convention - UNC) رهبر این حزب "اوفوری - آتا"، یکی از وزیران سابق دولت "بوسیا" است...

"حزب کنگره عمل" (Action Party - ACP) رهبر این حزب ناسیونالیست ستوان "فرانک برناسکوس" نام دارد. "حزب کنگره عمل" خود را حامی منافع فقیرترین قشرها می‌خواند.

"جنبه سوسیال دمکرات" (Social Democratic Front - SDF) رهبر این حزب "ابراهیم ماهاما" و خواهان "جامعه عادلانه، رادیکال و سوسیالیستی، بری از نفوذ سیاستمداران فاسد کهن" است.

"حزب سوسیال دمکراتیک" به تشویق سندیگاها و پس از وحدت جنبه ملی دمکراتیک و "حزب سوسیال دمکرات" پدید آمد. هدف-های "جنبه سوسیال دمکراتیک" با برخی از اصول سوسیالیستی "تکرومه" چون پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی همراه با نظارت سوسیالیستی بر اقتصاد، بان آفریکانسیسم، پشتیبانی از جنبش‌های آزادی بخش ملی و عدم تعهد مثبت و پیگیر-همخوانی دارد.

"حزب نیروی سوم" (Third Force Party - TFP) این حزب دارای اهمیت اندکی است و رهبران "دکتر جان بیلسون" نام دارد "کنگره سندیگایی غنا" (Ghana Trade Union Congress - GTUC) ۱۷ سازمان سندیگایی را در بر می‌گیرد

با مقاومت روبرو می‌شود و مقام آنها از ایشان گرفته خواهد شد. آینده نشان خواهد داد که "جری راثولینگر" تا چه اندازه از تحریر چندماهه حکومت خود درس گرفته است و آیا این بار پیگیرتر و آزمودتر در راه تغییرات بنیادی اوضاع اجتماعی-اقتصادی غنا و به سود زحمتکشان ستمدیده این کشور گام برخواهد داشت؟

احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی

تا سال ۱۹۶۶، "حزب کنگره خلق" Convention People's Party - CPP رهبری "فوام نکرومه" نیروی سیاسی راهبر غنا بود. این حزب، حزبی انقلابی-دمکراتیک بشمار میرفت. در سالهای ۶۹-۱۹۶۶ فعالیت احزاب سیاسی ممنوع اعلام شد. در سالهای ۷۲-۱۹۶۹ "حزب پیشرفت" (Pro-gress Party - P.P) رهبر زمام امور را بدست گرفت. پس از کودتای نظامی ۱۹۷۲ باردیگر احزاب سیاسی ممنوع گردیدند.

"حزب ملی خلق" (National Party - PNT) رهبر این حزب "دکتر هیلا لیمان" است. "حزب ملی خلق" خود را ادامه دهنده راه "تکرومه" می‌داند و در "منشور" خود از وحدت آفریقا، بازسازی ملی، برابری کامل شهروندان، حق کار و پاداش عادلانه و "انقلاب کشاورزی" سخن می‌گوید. به موجب این "منشور"، سیاست خارجی حزب بر اساس بیطرفی مثبت، عدم تعهد و مبارزه با امپریالیسم، استعمار، نواستعمار و آپارتید استوار است. برنامه اقتصادی "حزب ملی خلق" تقسیم اقتصاد به بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی و خودداری از "تعدي" به منافع سرمایه‌گذاران خارجی اعلام شده است. در آستانه انتخابات ۲۸ خرداد ۱۳۵۸ (۱۸ ژوئن ۱۹۷۹) کلمه "سوسیالیسم" از منشور حزب ملی خلق حذف گردید.

"حزب جنبه خلق" (Popular Front Party - PFP) نامزد این حزب در انتخابات دوسال پیش "ویکتور اووسو" بود، که از مخالفان "تکرومه" بشمار میرفت. "حزب جنبه خلق" خود را ادامه دهنده راه "حزب پیشرفت" "بوسیا" می‌داند. حزب نامبرده نماینده منافع انحصارگران خارجی و سرمایه‌داران وابسته به آنهاست. "حزب جنبه"

نورم به ۲۰۰ درصد رسید و بارار فساد، رشوه‌خواری و قاچاق گرم‌تر از همه وقت شد. از آنجا که دستمزدها همچنان در حالت "انجماد" بود، ناراضی‌گری گسترده در میان زحمتکشان نمایان گردید.

دولت "لیمان" به تحدید آزادی مطبوعات پرداخت و بسیاری از مردم را به زندان انداخت. اعضای برجسته "شورای انقلابی نیروهای مسلح"، برای تحصیل به کشورهای "اتو" اعزام شدند. "لیمان" دستور اخراج "جری راثولینگر" را، که از محبوبیتش در میان مردم بی‌شک بود، صادر کرد. "جری راثولینگر" در مصاحبه‌ای با "اینترنشنال هرالد تریبون" (۱۳/۱۲ آوریل ۱۹۸۰) در توجیه سپردن زمام امور به غیرنظامیان گفته بود: به خدا سوگند که با ارتش نمی‌توان انقلاب کرد. غنایی‌ها دیگر تحمل حکومت نظامیان را ندارند. به عقیده من، ما به حکومت غیرنظامیان متعهدیم.

وی در همین مصاحبه افزود: من اگر می‌خواستم حزب سیاسی پایبنداری کنم، مسئله‌ای نبود. در چنین صورتی، محتملا دولت‌گونی را سرنگون می‌ساختم. ولی چنانکه وقایع اخیر نشان می‌دهد، "جری راثولینگر" نتوانست خود بیش از هشت ماه پس از مصاحبه نامبرده "حکومت غیرنظامیان" را تحمل کند و با کودتای نظامی ۱۰ دی ۱۳۶۰ (۳۱ دسامبر ۱۹۸۱) به‌هشدار خود جامعه عمل بپوشید که: "چنانچه حکمرانان از مقام خود برای پیشبرد منافع خویش بهره‌جویند

(جدول شماره ۱)

تولید مهم‌ترین مواد خام ۱۹۶۰ ۱۹۷۰ ۱۹۷۵ ۱۹۷۶ (تلا (تن)) ۲۷/۳ ۲۱/۹ ۲۱/۴ ۱۹/۸ منگنز (۱۰۰۰ تن) ۲۶۶/۰ ۳۹۲/۰ ۴۰۸/۷ ۳۲۴/۵ بوکسیت (۱۰۰۰ تن) ۱۹۴/۰ ۳۴۱/۰ ۳۵۱/۰ ۲۳۴/۶ الماس (۱۰۰۰ قیراط) ۳۲۷۳/۰ ۲۵۲۳/۰ ۲۲۲۳/۰ ۲۴۷۰/۵

(جدول شماره ۲)

تولید مهم‌ترین فرآورده‌های کشاورزی (۱۰۰۰ تن) ۱۹۶۶ ۱۹۷۰ ۱۹۷۵ ۱۹۷۷ کاکائو ۳۸۱ ۳۸۵ ۳۹۶ ۳۱۰ قهوه ۳/۵ ۵/۴ ۰۰۰ ۰۰۰ فرآورده‌های نخل ۰ ۰ ۵۸ ۷۹ برنج ۳۱ ۵۵ ۷۱ ۳۶۶ درت ۱۸۰ ۲۹۰ ۳۴۳ ۳۶۶

(جدول شماره ۳)

مبادلات بازرگانی خارجی (به میلیون سدی) ۱۹۶۰ ۱۹۶۵ ۱۹۷۰ ۱۹۷۵ ۱۹۷۸ صادرات ۲۰۹/۰ ۲۰۷/۹ ۴۱۱/۱ ۸۷۴/۰ ۱۱۰۵/۸ واردات ۳۱۰/۰ ۳۲۰/۰ ۴۱۷/۰ ۹۲۵/۸ ۴۹۵/۰







اخراج بیرویه

بقیاض صفحه ۱

و خائنه تر دنبال می شود. فشارهای اقتصادی دنیای امپریالیستی و برراس آن آمریکا جانب دیگر این منظره است. هر چند دشمن خشت بر آب می زند، که اراده نیروی تاریخ ساز توده های میلیونی زحمتکش ایران را ناچیز شمس...

و این که: "کارگران ستون فقرات انقلاب اند."

هم پیوندی سرنوشت طبقه کارگر و سرنوشت انقلاب بزرگ ما اساسی ترین حقیقتی است که باید شالوده برخورد به مسائل این طبقه قرار گیرد. به سخن دیگر، هر امری - ولو بظاهر گذرا و نا - چیز - که به زندگی طبقه کارگر و موقع مادی و معنوی او برگردد، بی هیچ تردید تاثیر حدی در سیر انقلاب ما به طرف استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خواهد داشت. چنین است که مسکوت گذاشتن یا کم توجهی به کار و زندگی طبقه کارگر، یا بدتر از آن، تشدید فشار به این نیروی انقلابی، آگاهانه یا نا - آگاهانه، خواسته یا ناخواسته، به زیان انقلاب و به سود دشمن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

کارنامه طبقه کارگر در مبارزه به خاطر سرنگونی رژیم ضد مردمی پهلوی دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن، شرکت موثر در امر دفاع برحق از میهن انقلابی در برابر تجاوز آمریکایی صدام چه در خط مقدم جبهه، چه در تدارک پشت جبهه، تلاش بی امان در جهت افزایش تولید و سرکوب توطئه های جبهه براندازی، تحمل بار طاقت فرسای گرانی و محرومیت های گوناگون، همه و همه تنها گوشه ای از نقش دوران ساز و ایثارگرانه طبقه کارگراست. اما در برابر این خدمات بی نظیر، دشواری های گوناگون در کار و زندگی کارگران و قیدیوند های فلاکت بار بردست و پای آنان، آنچنان زیاد است که می باید برای همه مسئولان متعهد و همه نیروهای انقلابی هشدار - دهنده باشد. از آن جمله است نبود یک قانون کار انقلابی و مردمی و، اگر درست - تر بگوئیم، معتبر بودن قوانین طاغوتی در این زمینه!

گذشته از این مطلب، که مهم ترین و دردناک ترین واقعیت زندگی فعلی طبقه کارگر به شمار می رود، در عین حال و متأسفانه دست اندازی های خود - سرانه و مغایر با جوهر مردمی انقلاب به حقوق طبیعی کارگران به اشکال گوناگون ادامه دارد. قانون کار بدون شرکت فعال نمایندگان خود کارگران تدوین می شود؛ در حل مسائل گوناگون واحدهای کار کمتر از نیروی خلاق کارگران استفاده می شود. حقوق مربوط به شکل صنفی کارگران بدفعات و به انحاء مختلف زیر پا گذاشته می شود؛ بدون در نظر گرفتن مشکلات زندگی و هزینه های طاقت فرسا، به شیوه ای غیر اصولی از دستمزد و حقوق اولیه کارگران کاسته می شود، و دشواری های فراوان دیگری که ذکر آن مثنوی هفتاد من کاغذ می شود.

در زمره همین نارسایی ها بویژه باید از سوئی ابقاء ماده ۳۳ قانون کار فعلی (میراث طاغوت) نام برد و از سوی دیگر از اخراج های بی حساب و کاملاً سنجیده کارگران، که حتی بهانه قانونی هم برای آن تراشیده نمی شود. تنها کافی است گفته شود که فلان واحد ضروری دهد، دیگری دچار کمبود های گوناگون است، در سومی سطح تولید پایین است و آن یک یا "تورم پرسنلی" مواج است، تا بلافاصله، نتیجه گرفته شود که باید تعداد کارگران را کاهش

داد، باید جمعی را بی هیچ تعهدی به ظلمات بیکاری و آوارگی تبعید کرد! اشتباه این نگرش تنها در نیست که هزاران خانواده را از نظر معیشت خویش فلج میکند، تنها این نیست که تحویز مسکن های بی اثر را بر مداوای واقعی و ریشه های دردها برتر می شمارد بلکه خطای سه گانه مهم تری رخ می دهد، که از دیدگاه اصلی (منافع انقلاب) ابتدا قابل گذشت نیست.

اخراج کارگران بخشی از مهم ترین نیروی انقلابی را از صحنه کار دور میکند، توان انقلابی آنان را بلا اثر می گذارد تخم یاس و بدبینی در میان آنان می باشد، و در برابر، دست دشمنان رنگارنگ انقلاب را درازتر و کاری تر میکند. نیز باید یاد داشت که این تقویت ناخواسته دشمن، به قیمت بیرون کشیدن بخشی از نیروهای رزمنده از سنگر های مقدم و برت کردن آنان به اعماق بیکاری و بی اثری، بی هیچ شکی با پشتیبانی دشمن روبرو می شود.

دشمن تحریک میکند، خرابکاری را سازمان میدهد و راه های چاره را، تا حائی که بتواند، مسدود می سازد، تا به ظاهر هیچ گریز گاهی نماند مگر آن که فشارها به گرده زحمتکش وارد آید نتیجه روشن است، بذرها بی که ضد - انقلاب پاسیده خوانه میزند و بخشی از گردان های انقلاب از خط خارج می - شوند. کارشکنی در تحویل و تدارک مواد اولیه و وسائل ضرور کارخانه ها، مانع تراشی بر سر راه سازمان دادن تولید و فروش و سرانجام تحریک کارگران به اعتصاب و کم کاری از ناحیه دشمن بی وقفه دنبال می شود، تا آتشی بر - افروخته شود و لهیب شعله های آن دامنگیر کارگران گردد. کمترین تمرین رویه برای صدا انقلاب دمیسه گران است که بخشی از نیروهای انقلاب از حاکمیت انقلابی فاصله بگیرند و از صحنه خارج شوند. این توطئه را باید با اعتماد به کارگران و احترام به حقوق آنان، به ویژه از طریق تضمین امنیت شغلی آنان، ناکام گذاشت، تا ضمن تقویت انقلاب و تحکیم پایه های مردمی آن، عدالت اجتماعی نیز خدشه دار نشود.

یک پیامد زیان بار و مهلک این ترفند دشمن، تضعیف بنیه تولیدی و تخریب پایه های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است، تا دست یافتن به استقلال واقعی حتی المقدور ناممکن یا دشوار شود. اگر هدف نخستین عدالت اجتماعی را زیر ضربه می گیرد، این جهت توطئه دشمن، بر مبنای استقلال ما یورش می آورد، زیرا واحدهای عظیم تولیدی را فرومی پاشد، سازمان تولید را درهم می شکند، تا سنگ بنای نیل به خودکفائی و شکوفائی اقتصادی را از میان بردارد.

با این توطئه نیز باید با چشم باز و باندهیر انقلابی مبارزه کرد. متأسفانه خبرهایی که در گوشه و کنار جراید به چشم می خورد، از جمله: اخراج عده کثیری از کارگران صنایع فولاد و خرد کردن این مجتمع عظیم به هسته های پاره پاره، از مبارزه آگاهانه با این توطئه حکایت نمی کند. به این ترتیب، صرف نظر از انگیزه ها و نیتها، حرکت از روی حدس و گمان، آزمودن دیگر بار خطاهای آزموده شده و سهل انگاری ها عواقب وخیم و پیامدهای نگران کننده ای را در جبهاتی که بر شمرده شد، بجای میگذارد. و این همان چیزی است که باید کارمیه برخورد به مسائل انقلاب و میهن قرار گیرد: نتیجه عملی تصمیم ها.

سومین و آخرین نکته ای که به هیچ رو از ارزش و اهمیت کمی برخوردار نیست، مسئله رعایت موازین قانونی در مورد کارگران است، که علی - الخصوص به آزادی های مردمی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازمی گردد. این جا آن جا، بسیاری از کارگران تنها به صرف داشتن اندیشه و اعتقاد ویژه، خویش، تنها به لحاظ بر - خورداری از سلیقه ها و دیگر شهای متفاوت مشغول پاکسازی می شوند. دردناک تر از آن، گاه فقط زن بودن، بهانه ساز طرد کارگران از تنها محل امرار هاش آنان میشود. متأسفانه تنگ نگر ها و خود -

مناسبت روز پیروزی کامبوجیا (۷ دی ۱۳۵۸ / ۷ ژانویه ۱۹۷۹)

روز بنیانگذاری جمهوری خلق کامبوجیا (۲ دی ۱۳۵۸ / ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹)

خلق آزاد کامبوجیا

زندگی نوین خود را میسازد



نسل نوین در کامبوجیا آزاد با شادی رشد میکند.

با پیروزی خلق کامبوجیا علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده لئون نول در ۲۸ فروردین ۱۳۵۴ (۱۷ آوریل ۱۹۷۵)، که در پی پیروزیهای خلقی های ویتنام جنوبی و لائوس بدست آمد، آخرین سنگر امپریالیسم در هندوچین فروریخت و این امید در دلها پدید آمد که از این پس این سه کشور در راه سوسیالیسم گام بر خواهند داشت. اما در کامبوجیا این امید به سرعت مدلل به یاس شد، زیرا باند "پول پوت - ینگ ساری" با قبضه کردن حاکمیت، سیاستی مائوئیستی پیش گرفتند و کشور را به ورطه سقوط سوق دادند. ماهیت این رژیم ترور و وحشت و جنایاتی که دارودسته پول پوت - ینگ ساری طی حدود چهار سال حاکمیت مرتکب شد، بر همگان شاخته شده است و جای تکرار آن نیست.

در ۱۱ آذر ۱۳۵۷ (۲ دسامبر ۱۹۷۸) خلق کامبوجیا برای رهائی از یوغ این رژیم خویشوار دست به تشکیل "جبهه واحد ملی برای نجات کامبوجیا زد و با سازمان دادن مبارزه مسلحانه و با برخورداری از حمایت خلق برادر ویتنام، در ۱۷ دی ۱۳۵۸ (۷ ژانویه ۱۹۷۹) پنوم پن را آزاد کرد و بدین ترتیب "شورای انقلابی خلق" به حاکمیت دست یافت. روز ۲۰ دی ۱۳۵۸ (۱۰ ژانویه ۱۹۷۹) تشکیل جمهوری خلق کامبوجیا اعلام شد.

طی سه سالی که از سرنگونی رژیم پول پوت می گذرد، جمهوری خلق کامبوجیا گام های مهمی به سوی پیشرفت در زمینه های مختلف برداشته است. در این مدت اکثر موسسات اقتصادی از کار افتاده، به راه انداخته شده است. نظام مالی ر پولی از نو برقرار گشته است. کانالها و دیگر موسسات آبیاری در اغلب استانها با دیدگر مورد بهره برداری قرار گرفته اند. در سال ۱۹۸۱، حدود ۱۵۰۰۰۰۰ هکتار به کشت برنج اختصاص یافت. سرویس پست و حمل و نقل به تدریج به راه انداخته شد. در زمینه فرهنگی و بهداشتی نیز پیشرفت های چشمگیری حاصل گشته است و مدارس و درمانگاه های متعددی در نقاط مختلف کشور ایجاد شده اند. در سال ۱۹۸۱، ۱۴۰۰۰۰۰ کودک و نوجوان در مدارس کامبوجیا ثبت نام کردند. دانشگاه پنوم پن نیز کار خود را از سر گرفته است. شهر پنوم پن که در زمان رژیم پول پوت از سکنه خالی شده بود، اکنون حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد و زندگی جریان عادی خود را بازیافته است.

بدینسان، علیرغم تمام دشواریها، خلق کامبوجیا با تلاش پیگیر و به کمک همه جانبه کشورهای سوسیالیستی بازسازی اقتصادی خود را به پیش می برد.

نهادهای سیاسی کشور نیز روز به روز مستحکم تر می شود. در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ (اول ماه مه ۱۹۸۱)، انتخابات عمومی در کامبوجیا انجام گرفت و نخستین جلسه "مجلس ملی" در ۳ تیر ۱۳۶۰ (۳۴ ژوئن ۱۹۸۱) تشکیل شد. قانون اساسی جدید کشور به تصویب همین مجلس رسید. چهارمین کنگره "حزب انقلابی خلق کامبوجیا" نیز در این سال تشکیل شد و تدابیر مشخصی در زمینه های سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی اتخاذ کرد.

اعتبار بین المللی جمهوری خلق کامبوجیا بیش از پیش افزایش می یابد و نشانه آن به رسمیت شناخته شدن این کشور توسط تعداد هر چه بیشتری از کشورهای جهان است که در دوران اخیر، کشور هند یکی از مهم ترین آنها بوده است. اما تحریکات و دسیسه های امپریالیسم آمریکا و برتری طلبان چینی موجب شد که امسال نیز دولت کامبوجیا از کرسی خود در سازمان ملل متحد محروم بماند. فعالیت های خصمانه امپریالیسم آمریکا و متحدانش علیه خلق کامبوجیا به این خلاصه نمی شود. آنها از یک

که ضرور نظام انقلابی ما و سازگار با گوهر دموکراتیک آن است، تنها زینت اوراق قانون نیست، بلکه پیوند نا گسستی با سرنوشت انقلاب دارد. از این نظر نیز در بسیاری موارد، اخراج ها مایه های اصلی انقلاب را هدف گرفته است. در یک کلام، اخراج ناموجه و بی رویه کارگران معاریا اهداف انقلاب و سبزی با استقلال، آزادی و عدالت

سو گروه های ضد انقلابی را مسلح می کنند، تا در کشور آشوب برپا سازند، و از سوی دیگر در صدد متحد ساختن جناح های مختلف ضد انقلابی برآمده اند. اما این تلاش های مذبحخانه نیز سرانجام شکست خواهد خورد و جمهوری خلق کامبوجیا با برخورداری از حمایت همه جانبه جامعه کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای مترقی جهان در راه سازندگی جامعه های نوین به پیش خواهد رفت.

متأسفانه دولت جمهوری اسلامی ایران تاکنون در جهت برقراری مناسبات سیاسی و دیپلماتیک با جمهوری خلق کامبوجیا گامی برنداشته است. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران می باید این کمبود را هر چه زودتر جبران کند، زیرا تردیدی نیست که استقرار مناسبات دوستانه با کشورهای ضد امپریالیست و مترقی جهان، بسود تحکیم انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و تقویت جبهه جهانی ضد امپریالیستی است.

اجتماعی است و از این رو هشدار - دهنده و نگران کننده. به این اخراج ها با لغو ماده ۳۳ قانون کار کنونی، با تضمین امنیت شغلی کارگران، به کمک خود کارگران، باید پایان داد. بدیهی است که در این جهت نیز نیروی لایزال کارگران بار و مدد کار مسئولین و چاره ساز دشواری های موجود خواهد بود.

جند خبر کوتاه از وضع جوانان و دانشجویان عراقی

پیگرد دانشجویان در عراق شدت می گیرد

راساس اخبار بولتن خبری "اتحادیه" عمومی دانشجویان عراق (گوسیر) رژیم صدمردمی صدام حسین دست به اقدامات تضحیقی فرایدهای علیه دانشجویان عراقی رده است. عامل اجرایی سیاستهای ضدانسانی رژیم دیکتاتوری در دانشگاه ها، "اتحادیه" ملی دانشجویان عراق (NUIS) است، که اعضاء آن را مزدوران سرسپرده رژیم دیکتاتوری صدام تشکیل می دهند.

علاوه بر این، تعداد بسیاری از دانشجویان بخاطر فرار از پیگرد به ناچار تحصیلات خود را رها کرده اند.

قوانین و اقدامات خود سرانه

علیه دانشجویان عراقی

اخیرا بنا به تصمیم مسئولان دولتی، دانشگاه سلیمانیه در منطقه کردستان عراق تعطیل شده است. این تصمیم گام جدیدی در راستای سیاست ارتجاعی و شوونیستی رژیم دیکتاتوری صدام حسین علیه مردم و دانشجویان کرد عراقی است.

دانشجویان گوشت دم توپ

حکام بغداد اخیرا تصمیم خود - سرانه ای اتخاذ کرده می خواهند تمام دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی را که امتحانات نهایی خود را می گذرانند

شهید مطهری...

بقیه از صفحه ۱

سخنان از کتاب "پیرامون انقلاب اسلامی" از انتشارات "دفتر انتشارات اسلامی" وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم استخراج شده است. این کتاب مجموعه سخنرانی های استاد شهید است. ما در زیر هر نقل قول، محل و تاریخ سخنرانی را ذکر کرده ایم. شماره صفحات ذکر شده مربوط به کتاب فوق الذکر است.

\* واضح است که کسانی که درباره آزادی بحث می کنند، منظورشان آزادی حیوانی نیست، بلکه آن واقعیت مقدسی است که آزادی انسانی نام دارد. (سخنرانی در دانشکده الهیات - ۱۳۵۷/۱۱/۲ - ص ۶).

\* هر مکتبی به ایدئولوژی خود ایمان و اعتقاد داشته باشد، ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و آزادی تفکر باشد. و به عکس هر مکتبی که ایمان و اعتمادی به خود ندارد، جلو آزادی اندیشه و آزادی تفکر را می گیرد. (همان سخنرانی - ص ۹).

\* من به همه این دوستان غیرمسلمان اعلام می کنم، از نظر اسلام تفکر آزاد است، شما هر جور که می خواهید بیندیشید، بیندیشید هر جور که می خواهید، عقیده خودتان را ابراز کنید، به شرطی که فکر واقعی خودتان باشد، ابراز کنید. هر طور که می خواهید بنویسید. بنویسید، هیچ کس مانعتی نخواهد کرد. من در همین دانشکده چند سال پیش نامه ای نوشتم به شورای دانشکده و در آن تذکر دادم، یگانه دانشکده ای که صلاحیت دارد یک کرسی را اختصاص بدهد به مارکسیسم، همین دانشکده الهیات است. ولی نه اینکه مارکسیسم را یک استاد مسلمان تدریس کند، بلکه استادی که واقعا مارکسیسم را شناخته باشد و به آن مومن باشد. مخصوصا به خدا اعتقاد نداشته باشد. می بایست به هر قیمتی شده از چنان فردی دعوت کرد، تا در این دانشکده مسائل مارکسیسم را تدریس کند. بعد هم ما می آئیم حرف هایمان را می زنیم. منطق خودمان را می گوئیم. هیچ کس مجبور نیست منطق ما را بپذیرد. نباید اینگونه فکر کرد که چون اینجا دانشکده الهیات است، نباید در آن مارکسیسم تدریس شود. خیر، مارکسیسم باید تدریس شود، آن هم توسط استادی که معتقد به مارکسیسم است. فقط باید جلو دروغ و حقه بازی را گرفت. یعنی دیگر یک مارکسیست نباید تمسک به آیه قرآن بکند و بگوید فلان آیه قرآن اشاره است به فلان اصل مارکسیسم است. ما با این شیوه مخالفیم. این خیانت به قرآن است. (همان سخنرانی - ص ۱۱).

\* همانطوری که رهبر و امام ما مکرر گفته اند، در حکومت اسلامی احزاب آزادند. هر حزبی اگر عقیده غیر اسلامی هم دارد، آزاد است. اما ما اجازه توطئه گری و فریبکاری نمی دهیم. احزاب و افراد در حدی که عقیده خودشان را صریحا می گویند، ما حق داریم که از اسلام دفاع کنیم و بگوئیم اسلام چنین چیزی نمی گوید. حق داریم بگوئیم به نام اسلام این کار را نکنید. چنین آزادی بحث و گفت و گوئی را گمان نمی کنیم در جای دیگر نظیری بتوان برایش پیدا کرد. شما کی در تاریخ عالم دیده اید که در مملکتی که همه مردمش احساسات مذهبی دارند، به غیر مذهبی ها آن اندازه آزادی بدهند که بیایند در مسجد پیامبر یا در مکه بنشینند و حرف خودشان را، آن طور که دلشان می خواهد، بزنند، خدا را انکار کنند، منکر پیامبر شوند، نماز وحج و... را رد کنند و بگویند ما اینها را قبول نداریم، اما معتقدان مذهب با نهایت احترام به آنها برخورد کنند. در تاریخ اسلام از این نمونه های درخشان فراوان می بینیم. و به دلیل همین آزادی ها بود که اسلام توانست باقی بماند. اگر در صدر اسلام در جواب کسی که می آمد و می گفت من خدا را قبول ندارم، می گفتند بزنید و بکشید، امروز دیگر اسلامی وجود نداشت. اسلام به همین دلیل باقی مانده که با شجاعت و با صراحت با افکار مختلف مواجه شده است...

ومن به جوانان و طرفداران اسلام هشدار می دهم که خیال نکنند راه حفظ معتقدات اسلامی جلوگیری از ابراز عقیده دیگران است. از اسلام فقط با یک تیرو میشود پاسداری کرد و آن علم است و آزادی دادن به افکار مخالف و مواجهه صریح و روشن با آنها. (همان سخنرانی - صفحات ۱۴ و ۱۵).

\* از آنجا که ماهیت این انقلاب، ماهیتی عدالتخواهانه بوده است، وظیفه همگی ما این است که به آزادیها به معنای واقعی کلمه احترام بگذاریم، زیرا اگر بنا بشود حکومت جمهوری اسلامی، زمینه اختناق را بوجود بیاورد، قطعا شکست خواهد خورد. البته آزادی غیر از هرج و مرج است و منظور ما آزادی به معنای معقول آنست.

هر کس می باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما راه صحیح پیروزی را ادامه خواهد داد. اتفاقا تجربه های گذشته نشان داده است که هر وقت جامعه از یک نوع آزادی فکری - ولو از روی سوء نیت - برخوردار بوده است، این امر به ضرر اسلام تمام نشده، بلکه در نهایت بسود اسلام بوده است. اگر در جامعه ما، محیط آزاد برخورد عقاید بوجود بیاید، بطوری که صاحبان افکار مختلف بتوانند حرفهایشان را مطرح کنند و ما هم در مقابل آراء و نظریات خودمان را مطرح کنیم، تنها در چنین زمینه سالمی خواهد بود که اسلام هر چه بیشتر رشد می کند. (سخنرانی در مسجد الجواد - فروردین ۱۳۵۸ - ص ۴۹)

تورویستهای...

بقیه از صفحه ۳  
محرومین و فقرا را اجراء دقیق احکام اسلام میدانند و مسئولین مملکتی باید در پیاده کردن شیوه های اسلامی همین رهنمودهای مدیرانه امام خمینی را، که بیانگر اسلام راستین است، آویزه گوش قرار دهند.

توضیح

بعلت تراکم مطالب مقاله لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی... در این شماره چاپ نشد بدینوسیله از خوانندگان گرامی پوزش میطلبیم

یادداشتی بر فیلم "آخرین نفس" (نام اصلی جلالی براوو)

شاهدی که کوراست

یکی از شاهدان واقعه، بازگویی می شود. کوماندوها در آغاز آدم های بی بدون عاطفه معرفی می شوند و سپس در مواجبه با کشته شده همراهان خود، "رقیق ترین احساسات" را نشان می دهند! خانم پرستار "رغوف و مهریان" در آخرین تصاویر فیلم، مسلسل بدست، با حرارت و کینه ای عمیق به سوی "دشمن" حمله می - برد.

فیلمی از فرانسه، ساخته کلود برنارد اوهر، را بر پرده سینماهای تهران می بینیم. فیلم ماجرای را که در آخرین روزهای تجاوز امپریالیسم فرانسه میان انقلابیون ویتنامی و مزدوران فرانسوی رخ داده، به تصویر کشیده است. بعد از دیدن فیلم (همچنان که هنگام دیدن) تماشاچی با کوماندوهای فرانسوی احساس نزدیکی و همدردی می کند! ماجرا حدیث جنگ بین قهرمانان مزدور با ویتنامی های "مودی" است! ویتنامی های که در رویارویی با کوماندوهای فرانسوی بی دست و پا می نمایند و با این حال برای آزادی وطنشان تلاش می - کنند. تمامی کوشش فیلمساز مصروف این شده است که چهره های مسخ شده از انقلابیون ویتنام نمایش دهد. نظایر آنگونه فیلم هاکم ساخته شده و کم هم بر پرده سینماهای تهران به نمایش در نیامده اند! یکی از عرصه های تبلیغاتی "امپریالیسم خبری" ساختن فیلم هایی چون "آخرین نفس" است، که به اصطلاح ماجرای حقیقی را نشان میدهد، که گویا شاهدی عین واقعه را دیده و در بطن آن بوده است و اکنون ماجرا را تعریف می کند؛ شاهدی که اگر کور نبود عیب داشت، حتما مغرض است. اولین تناقضی که بعد از دیدن "آخرین نفس" به ذهن میرسد، "قتل عام" همه فرانسویان درگیر در عملیات است، که در آغاز فیلم برای تماشاچی، از زبان

تعداد بیکاران

را معین کنید!

آقای مهاجری، نماینده وزارت آموزش و پرورش در نهضت سواد آموزی در مصاحبه ای با نماینده رادیو تلویزیون، که در ساعت ۷/۴۵ دقیقه صبح پنجشنبه ۱۰ دیماه ۶۰ از رادیو پخش شد، درباره راه حل ریشه کن کردن بی - سوادی در جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد کرد:



